

## رویکرد اجتماعی به امنیت و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران: تهدیدات و راهکارها

دکتر علیرضا ذاکر اصفهانی info@ostan-es.ir

استادیار علوم سیاسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

زهره صادقی ziba.sdgh@yahoo.com ، z.sadeghei@gmail.com

کارشناس ارشد علوم سیاسی

### چکیده

برقراری و ایجاد یک محیط امن و با ثبات از جمله دغدغه های هر حکومتی تلقی می شود و امنیت ملی هر کشوری جدا از امنیت اجتماعی آن نیست. از این رو داشتن یک جامعه ای با ثبات از مهمترین وظایف دولت به شمار می آید؛ اما قبل از آن که حکومت بتواند به ایجاد چنین محیطی اقدام کند باید ساختارهای داخلی، کارکردها و وظایف خود را دقیق پی ریزی کند تا منجر به بحران و ناهنجاری داخلی نشود. شکل گیری یک جامعه ای ایمن فقط از وظایف دولت نیست بلکه مشارکت مردم در شکل گیری یک محیط امن نقش به سزایی دارد. به خصوص که بسیاری از ناهنجاریهای داخلی توسط خود آن جامعه ایجاد می گردد؛ اما یک سری تهدیدهای بیرونی هستند که با برهم زدن نظم درون جامعه امنیت ملی را به خطر می اندازد. به ویژه این که این تهدیدات با پدیده جهانی شدن همراه باشد. از این رو، واکنش ها و سیاست هایی که در مقابله با این تهدیدها وجود دارد اهمیت پیدا می کند. هدف این تحقیق پرداختن به مقوله ای امنیت اجتماعی بر اساس دیدگاه دویچ و امنیت ملی بر اساس دیدگاه باری بوزان می باشد و در راستای این هدف به تهدیدهای داخلی و خارجی خواهیم پرداخت.

**واژه های کلیدی:** امنیت، امنیت اجتماعی، امنیت ملی، امنیت انسانی، جامعه شناسی نوین، مشارکت مردم، جامعه، دولت، فرهنگ، تهدیدهای داخلی و خارجی.

## مقدمه

امنیت یکی از موضوعات مهم در هر اجتماعی است. در واقع یکی از اهداف اساسی امنیت ملی در هر کشوری حفاظت از ارزش های محوری و حیاتی نظام فرهنگی آن می باشد و در مقابل، از جمله کارکردهای عمده هر نظام فرهنگی، امنیت بخشی به زندگی اجتماعی و تداوم آن، تکوین هویت اجتماعی و ایجاد حفظ همبستگی است. انحرافات و تهدیدهای بسیاری وجود دارند که در سطح داخل اجتماع موجب برهم زدن نظم و امنیت جامعه می شود. در جامعه ایران نیز با توجه به ارزش های دینی، اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی و ساختار بسیار جوان جامعه و وجود مشکلات عدیده اقتصادی، انحرافات اجتماعی به عنوان یکی از بغرنج ترین و پیچیده ترین مسائل اجتماعی می باشد که موجب جریحه دار ساختن وجدان جمعی و چالش امنیت اخلاقی و اجتماعی گردیده است، به طوری که شاهد نگرانی عمده نخبگان سیاسی و علمی جامعه هستیم. در بعد بین المللی تهدیدهای بسیاری وجود دارند که موجب تأثیرگذاری بر افکار عمومی جامعه و در نهایت ایجاد انحرافات اجتماعی می شود که مهم ترین آن پدیده جهانی شدن است. از طرف دیگر، جهانی شدن محدودیت ها و مشکلاتی را برای دولت ها به وجود می آورد که یکی از آن ها بعد امنیت دولت هاست که بر میزان «حساسیت» و «آسیب پذیری» دولت ها افزوده است. این مفهوم در هر دو بعد داخلی و بین المللی صدق می کند.

هدف مقاله حاضر، تحلیل و تخمین بنیادهای اجتماعی امنیت ملی است. نگارنده بر آن است که دولت ها به صورت متعارف می توانند چهار نقش ایفا کنند که عبارتند از: رفع تعارض، نمایندگی جامعه، مصلحت اندیشی، بازآفرینی انسان و جامعه ای تراز نوین. از بین این چهار کارکرد، دومین و سومین آن در تحلیل دولت در جهان سوم مناسب به نظر می رسد. این گونه های مختلف رفتاری مستلزم آن است که امنیت ملی در جهان سوم را نه حاصل ساختار قدرت بین المللی و یا ساخته رژیم خود کامه بلکه برآمده از صورت بندی خاصی بدانیم که به طور تاریخی و اجتماعی تداوم یافته اند.

## ۱-۱. سوالات تحقیق

۱- امنیت اجتماعی چیست؟ و چه تأثیری بر امنیت ملی دارد؟

۲- تهدیدهای داخلی و بیرونی امنیت اجتماعی چیست؟ و چه سیاست هایی باید برای مقابله با آن ها اتخاذ گردد؟

۳- ایران با چه فرصت هایی می تواند خطرهای احتمالی را مدیریت سازد؟

#### ۱-۲. فرضیات تحقیق

- امنیت اجتماعی مهم ترین مشغله‌ی دولت- ملت هاست. امنیت ملی با امنیت اجتماعی ارتباط تنگاتنگی دارد؛ زیرا هر نوع تهاجم خارجی به حریم ملی، امنیت اجتماعی را مختل می سازد و برعکس هر نوع ناامنی در سطح جامعه شرایط را برای تخریب و تضعیف امنیت ملی آماده می سازد.

- مهم ترین بعد امنیت اجتماعی، امنیت انسانی است که تأمین این امنیت از کارویژه های مهم هر نظام سیاسی است. وقتی فرهنگ و ارزش های جامعه به نوعی دستخوش تغییر و تهدید شوند باید منتظر خطرات احتمالی آن بود. از این جهت آن چه که اهمیت پیدا می کند طرز برخورد با خطرها احتمال و مدیریت کردن این خطرات می باشد.

- دولت و سیاست هایی که اتخاذ می کند نقش مهمی در کنترل و مدیریت خطرهای احتمالی دارد. از این رو آنچه که در سطح داخلی کشورها اهمیت پیدا می کند، قانونمداری در کشور و روابط قبلی است که بین دولت و شهروندان وجود دارد. در سطح بین المللی نیز روابط متقابلی که کشور با کشورهای دیگر دارد، اهمیت پیدا می کند.

#### ۱-۳. روش تحقیق:

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی- تحلیلی است. در این تحقیق سعی می شود با کمک بحث های نظری در مورد امنیت، امنیت کشور را با توجه تهدیدات اجتماعی در دو سطح داخلی و بین المللی مورد بررسی قرار دهیم که در این رابطه بحث های امنیتی دویچ روش تحلیلی مناسبی برای موضوع می باشد.

#### ۱-۴. ابزار گردآوری داده ها:

داده ها با ابزارها کتابخانه‌ای و اسنادی از طریق مطالعه منابع دست اول و دست دوم شامل کتب، نشریات تخصصی، مقالات اینترنتی و روزنامه گردآوری شده است.

## ۲. ابعاد نظری تحقیق

### ۲-۱. امنیت در مفهوم کلی

امنیت از جمله مفاهیم پیچیده ای است که ارائه‌ی تعریفی دقیق از آن به سادگی میسر نیست. از نظر لغوی در فرهنگ لغات امنیت به معنای ایمن شدن، در امان بودن و نبودن بیم و هراس آمده است. در فرهنگ معین امنیت به معنای ایمن شدن، در امان بودن تعریف شده است (فرهنگ معین، ۱۳۶۳:ص:۳۵۲). در فرهنگ عمید آرامش و آسودگی (فرهنگ عمید، ۱۳۷۹:ص:۲۳۳). و در فرهنگ المنجد اطمینان و آرامش خاطر معنا شده است (فرهنگ المنجد، ۱۹۷۳:ص:۱۸).

امنیت به معنای اولیه و ساده عبارت است از صیانت نفس از خطرات احتمالی است که جان آدمی را تهدید می کند. هر چند این واژه را بسیار مختلف و با در نظر گرفتن ابعاد و شرایط گوناگون در جامعه تعریف کرده اند؛ ولی عنصر صیانت نفس و حفظ جان را اختیار می کند در حالی که «جان لاک» حفظ اموال و دارایی را اولویت می بخشد (لئو اشتراوس، ۱۳۷۳:ص:۶۲). در میان تعریف های مختلف از مفهوم امنیت وجوه مشترکی وجود دارد که در اینجا به آنها اشاره می شود:

امنیت شرایطی است که در چارچوب آن فرد در مقابل خطرات، تهدیدات و زیان های ناشی از زندگی اجتماعی، مورد حمایت جمع (جامعه) قرار می گیرد. به هر حال امنیت از جمله مفاهیم پیچیده و در عین حال سهلی است که شاید ارائه‌ی تعریف همه پسند از آن غیر ممکن باشد. سهل از آن جهت که این واژه قبل از تعریف توسط همگان لمس و ادراک شده است. ممتنع هم از این جهت که ارائه‌ی تعریفی جامع و کامل از آن با توجه به شرایط موجود هر جامعه دشوار و در مواقعی ناممکن باشد.

امنیت نیازی بنیادین و پایدار است که برآورده شدن سایر نیازهای جمعی نیز به وجود آن بستگی دارد. انسان که به اقتضای خلقت اجتماعی آفریده شده ناچار از وابستگی به «دیگری» و «دیگران» است، در طول تاریخ حیات پر فراز و نشیب خود در تأمین آرامش داخلی و آسایش اقتصادی و ایمنی در برابر تهدیدات فراوانی اندیشیده و ابتکارها و خلاقیت های تکامل یافته‌ی خود را برای فراهم کردن وسیله های گوناگون برای رسیدن به این مقصود به کار گرفته شده است. تدوین چارچوب های مختلف انضباطی و وضع قوانین و مقررات جمعی منتهی به ایجاد حکومت برای اداره‌ی جامعه از جمله مهم ترین ابزار و وسائلی است که برای تأمین نیازهای امنیتی

به جامعه‌ی بشری معرفی شده است. مجموعه‌ی این ابتکارها و خلاقیت‌ها در نهایت به ایجاد و گسترش چتری حمایتی منجر می‌شود که در سایه‌ی آن فرد و جامعه به بقا و حیات خود تداوم می‌بخشد و در نبود آن به وضعیتی می‌رسد که در تعاریف ارائه شده توسط متفکرین اجتماعی به آن Anomie (نوعی بی قانونی و عدم تعادل در شرایط اجتماعی) اطلاق می‌شود (نوری، ۱۳۸۷: ۱، Jones, 1999: 102-104).

در مجموع، می‌توان امنیت را مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بدون رضایت و در مورد افراد نبود ترس، بیم و دلهره نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع فردی و اجتماعی و به مخاطره نيفتادن این حقوق و آزادی‌ها و مصون بودن از تهدید، خطر مرگ، بیماری، فقر و حوادث غیر مترقبه و درک هر عاملی که آرامش انسان را ازین برد، تعریف کرد.

## ۲-۲. امنیت ملی<sup>۱</sup>

امنیت ملی مفهومی بسیار پیچیده است. به اصطلاح زبان شناختی دال امنیت می‌تواند به مدلولهای مختلفی رجوع یابد. از این رو رابطه‌ای همیشگی و پایدار بین دال و مدلول امنیتی وجود ندارد و زمینه‌های گفتمانی هستند که مشخص می‌کنند چه مدلولی به این مفهوم بچسبد. شاید به علت اصلی این پیچیدگی مفهومی این واقعیت باشد که در حوزه‌ی علوم انسانی مفاهیم اساساً پیچیده و ماهیتاً مناقشه انگیز هستند. تعبیریاری بوزان<sup>۲</sup> این است که امنیت مفهومی توسعه نیافته<sup>۳</sup> است. به نظر وی مفهوم امنیت هنوز توسعه لازم را پیدا نکرده است تا بتوان یک مفهوم واحد خارجی برای آن قائل شود و تعریف مشخص از آن ارائه داد (بوزان، ۱۳۸۷: ص ۱۵، علینقی، ۱۳۸۰: ص ۴۱). بوزان در کتاب مردم، دولت‌ها و ترس<sup>۴</sup> ضمن تأکید بر امنیت بین الملل به جای امنیت ملی ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی و زیست محیطی را مطرح می‌کند. به عبارت دیگر کشورها دیگر به مصالح خود نمی‌اندیشند، بلکه مصالح و امنیت دیگران را در سطح بین الملل گره خورده است، از نظر وی فروپاشی شوروی (۱۹۹۱) بر اثر واگرایی ناشی از مناقشات قومی و... ویا اتحاد ۲۵ کشور در اتحادیه‌ی اروپا که به مثابه‌ی گذر از نظام سنتی مبتنی بر دولت - ملت است، نشان از فرا ملی بودن پدیده‌ی امنیت دارد (بوزان، ۱۳۸۷: ص ۱۶). این

1. Security, National Security  
2. Barry Buzan  
3. Under- developed  
4. People States a fear

پارادایم‌ها نشانگر آن است که همه باید به امنیت هم بیندیشند چرا که امنیت ملی و امنیت فراملی دیگر چاره ساز نیست، بلکه در دنیای جهانی شده‌ی امروز باید به جامعه‌ی امنیتی جهانی اندیشید. از لحاظ نظری، اولین بار، چارلز بیرد مفهوم امنیت ملی را در متون تخصصی روابط بین‌الملل وارد کرد. او در کتاب «اندیشه‌ی منافع ملی» امنیت ملی را تبلور و جلوه‌ی خارجی منافع عمومی در داخل قلمداد کرد.

امنیت ملی دارای دو بعد متفاوت و در عین حال مرتبط با هم است:

الف. بعد داخلی یا «درون‌گرا» که ناظر به ایجاد نظم و آرامش و ایمن داخلی، تأمین منافع عمومی و به خصوص توانایی دولت یا حکومت در جهت برآوردن توقعات روزافزون جامعه، و بالاخره توسعه‌ی مترقیانه‌ی فرهنگ و تمدن مورد بحث است.

ب. بعد خارجی یا «برونداد» که ناظر به نحوه‌ی تعیین جایگاه یک کشور در صحنه‌ی بین‌المللی است (جمراسی، ۱۳۷۴ ص: ۹).

در این راستا آنچه که اهمیت دارد مجموعه‌ی توانایی و ظرفیتهای یک کشور، اعم از سیاسی یا نظامی و اقتصادی در حفظ تمامیت ارضی، حاکمیت ملی، استقلال سیاسی، اعمال صحیح حاکمیت بر منافع طبیعی، حفظ محیط زیست در مقابل تهدیدات خارجی می‌باشد.

اصولاً امنیت یک پدیده‌ی ادراکی و احساسی است؛ یعنی باید در ذهن توده‌ی مردم و زمامداران این باور به وجود آید که امنیت کافی برای ادامه‌ی زندگی بدون دغدغه وجود دارد. البته تعیین درجه و مرتبه‌ی نیاز به امنیت کاری ناممکن است. از این رو گفته می‌شود که امنیت یک وضعیت نسبی است؛ یعنی هیچ‌گاه یک فرد، در معیار فرد و یک کشور در مقیاس کلان نمی‌تواند مدعی برخورداری از امنیت کامل باشد. امروزه مفهوم امنیت ملی برای بسیاری از کشورها حاکی از نیاز به حفظ استقلال و تمامیت ارضی، حفظ شیوه‌ی زندگی ملی و جلوگیری از مداخله‌ی بیگانه در امور داخلی کشور از طریق افزایش توان نظامی است (کاظم، ۱۳۷۰ ص: ۱۱۵، عیوضی، ۱۳۸۲ ص: ۱۴۲). امنیت ملی با تمامیت ارضی رابطه‌ی مستقیم دارد و در نهایت به دفاع ملی منتهی می‌شود. استراتژی‌های درازمدت اقتصادی، نظامی و سیاسی می‌تواند مرزهای امنیت ملی را تا حد مناطق نفوذ یک کشور وسعت بخشد و ظرفیت‌های اقتصادی یک کشور که سرچشمه‌ی تمام قدرت‌های اوست وضع نمادهای سیاسی و حقوقی کشور می‌تواند در تحکیم امنیت ملی بسیار مؤثر باشد از سویی به قول والتر لیپمن امنیت ملی در معنی عام کلمه همیشه همراه

همیشه همراه با قدرت نظامی خواهد بود. به طوری که بود و نبود امنیت وابسته به توانایی کشور در رفع و از بین بردن حمله‌ی نظامی است (سیف زاده، ۱۳۷۸ ص: ۱۷۰).

در «گزارش کمیسیون ویژه زمامداری جهانی» اعتقاد بر این است که تحولات عرصه‌ی بین الملل به تولید مفهوم «امنیت مشترک»<sup>۱</sup> و به امنیت دسته جمعی<sup>۲</sup> و سپس به «امنیت فراگیر»<sup>۳</sup> و در نهایت به «امنیت جهانی» منجر می گردد. البته امنیت همواره در بحث جهانی شدن مورد توجه قرار داده شده است. «اسویر لودگارد»<sup>۴</sup> یکی از شاخه های اصلی فضای امنیتی جهان معاصر را در «تولید انبوه ناامنی» داشته است (مک کین، لتیل، ۱۳۸۰ ص: ۲۱). با این توضیح که زندگی انسان معاصر از حیث امنیتی بسیار آسیب پذیر می نماید و ما با هر قدمی که در جهت توسعه به جلو بر می داریم به صورت مستقیم تهدید تازه ای را برای خود پدید می آوریم. به عقیده‌ی «رامونه» این تهدید فقط مختص به پیرامون نیست بلکه در جوامع غربی نیز آینده‌ی روشنی را در آینده‌ی زمان نمی بیند، آن ها نگران بیکاری، بهت از عدم اطمینان، وحشت زده به لحاظ تکنولوژی های جدید، مشوش از جهانی شدن اقتصاد، دلمشغولی صدمات محیط زیست و فساد لجام گسیخته شدیداً مأیوس و ناامید هستند (رامونه، ۱۳۷۷ ص: ۱۱).

### ۲-۳. امنیت اجتماعی<sup>۵</sup>

امنیت اجتماعی را به صورت های گوناگون تعریف کرده اند. به نظر عده ای امنیت اجتماعی به وسیله‌ی دولت و هیئت حاکمه و به نظر عده ای دیگر با مشارکت مردم در جامعه تعیین و اجرا می شود (افشار، ۱۳۸۷ ص: ۱). در هر حال تعریف جامعی از اصطلاح «امنیت اجتماعی» در دست نیست و درباره‌ی مفهوم دقیق و دامنه‌ی کاربرد آن اختلاف نظر وجود دارد. اما دیدگاه های نوین عمدتاً مبتنی بر مشارکت مردم هستند. بحث امنیت اجتماعی بحثی است که به بعد داخلی امنیت بر می گردد، یعنی مسائلی که در حوزه های متفاوت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، حقوقی و قضایی افراد جامعه با آن مواجه هستند. این مسائل در چارچوب بحث امنیت اجتماعی قابل بررسی اند. گاه ممکن است جایگاه امنیت فردی در مقابل امنیت جامعه مورد سؤال قرار گیرد. «امنیت فردی»

1. Common Security
2. Collective Security
3. Pervasive Security
4. Swere Lodgard
5. Social Security

آرامش و آسایشی است که فرد بدون در نظر گرفتن امکانات جامعه و دولت برای خود فراهم می‌کند. اما «امنیت اجتماعی» عبارتند از آرامش و آسودگی خاطری که جامعه و نظام سیاسی برای اعضاء خود ایجاد می‌کند (حسنی فر، ۱۳۸۳ ص: ۲).

اهمیت وجود امنیت در زندگی تا حدی است که برخی متفکران اجتماعی در تعاریف خود کلمه‌ی «امنیت» را مترادف با مفهوم «سلامتی» به کار گرفته و وجود آن را ضامن بقاء و پایداری جامعه‌ی سالم پنداشته‌اند. در عین حال این نکته اهمیت دارد که «احساس امنیت» همیشه رابطه‌ای مستقیم با امنیت واقعی ندارد و وجود یا عدم وجود آن (احساس امنیت) لزوماً به معنای بهره‌مندی یا محرومیت از امنیت واقعی نیست (نوری، ۱۳۸۷ ص: ۲). به عبارت روشن‌تر، در جایی که وجود امنیت در جامعه تعاملات اجتماعی را در مسیری طبیعی و واقعی قرار می‌دهد، «احساس امنیت» (فارغ از بود و نبود واقعی امنیت) می‌تواند حرکت‌ها و جریان‌های طبیعی را در جامعه دچار اختلال کند.

به طور کلی امنیت اجتماعی یکی از پیش‌نیازهای توسعه‌ی کشور است و بدون شک با وضعیت فرهنگی جامعه ارتباطی تنگاتنگ دارد. پابندی افراد و نهادهای جامعه به ارزش‌ها و هنجارهای پذیرفته شده در فرهنگ نوعی مصونیت اجتماعی را ایجاد می‌کند که موجب امنیت پایدار می‌گردد. هر چه امنیت فرهنگی و اجتماعی در جامعه گسترش یابد پیشرفت در سایر ابعاد توسعه تسریع می‌گردد و افراد جامعه به جهتی سوق پیدا می‌کنند که در سازندگی و درخشش جامعه تأثیر می‌گذارند و از آسیب‌ها و انحرافات مصون می‌مانند. این مصونیت اگر توسط نظام سیاسی و مراکز تعلیم و تربیت در سطوح عالی و میانی کشور درونی و نهادینه شود، نظم و انضباط در جامعه گسترش می‌یابد. در حقیقت طرح امنیت اجتماعی که از سوی نیروی انتظامی در دولت نهم مطرح شد گامی اساسی در این راستا به شمار می‌رود که می‌بایست از سوی مردم و رسانه‌های گروهی و نخبگان و جریان‌های سیاسی حمایت و تحکیم یابد.

#### ۲-۴. اجتماع امنیتی دویج

دیوید بالدوین<sup>۱</sup> امنیت را به سادگی این گونه تعریف می‌کند: «احتمال اندک وارد آمدن خسارت به ارزش‌های کسب شده» (Baldwin, 1997: 261). این تعریف مفهوم امنیت را از



چارچوب ساختگی فقط نظامی خارج ساخته و امکان ورود اقتصاد و یا فرهنگ را نیز به این مقوله می دهد. در اینجا اجتماع و محیط امنیتی با اندکی تسامح به یک معنا در نظر گرفته شده است. هر چند شپینگ تانگ<sup>۱</sup> در مقاله ای با عنوان "نظریه‌ی نظام واره" محیط امنیتی را بیش تر در تعامل با رفتارهای یک کشور با کشورهای دیگر بررسی نموده و از آن برای تدوین سیاست های امنیتی یک دولت در برابر کشورهای همسایه و اطراف خویش بهره برده است، اما با این حال، تعریفی که او نیز به عنوان یکی از نظریه پردازان سیستم های امنیتی از عبارت محیط امنیتی می دهد، با تعریف اجتماع امنیتی دویچ تفاوت قابل توجهی ندارد (Tang, 2004: 34). کارل دویچ در دهه‌ی ۱۹۵۰ تلاش نمود دریابد چگونه امکان دارد جامعه ای هم بسته و وسیع تر از یک جامعه‌ی ملی به وجود بیاید. استدلال اصلی او این بود که با تراکم بیشتر مبادلات اجتماعی در میان افراد در دوره های طولانی زمانی، اجتماعات جدیدی بر مبنای هویتی مشترک شکل می گیرد که سرانجام می تواند به خلق یک ابرقدرت<sup>۲</sup> با نهادهای متمرکز منجر شود (گلشن پژوه، ۱۳۸۶ ص: ۲۶).

در نگاه دویچ، منظور از اجتماع سیاسی<sup>۳</sup> «مجموعه ای از افراد یا گروه ها- مانند دولت ها» است که تناسب متقابل رفتار آن ها برای تصمیم گیری سیاسی پیوند آن ها را به وجود می آورند. در میان اجتماعات سیاسی، اجتماعاتی که در آن ها جنگ از روابط حذف می شود، اجتماع امنیتی<sup>۴</sup> نام دارند که کانون توجه دویچ را تشکیل می دهد (مشیرزاده، ۱۳۸۴ ص: ۴۲). برای دویچ طبق مطالعه ای که در سال ۱۹۷۵ به همراه تعدادی از متخصصین این امر انجام داده بود، اجتماع امنیتی، «مطالعه‌ی راه های ممکن برای آن که روزی بشر جنگ را از میان بردارد»، بود (Adler, 1998: 6). او اعتقاد داشت در اجتماع امنیتی، «مردم تا آن اندازه با همدیگر ادغام شده اند که در آن نه تنها تضمینی واقعی برای عدم توسل فیزیکی به جنگ موجود بوده، بلکه آنان اختلافات و مسائل میان خود را با اتخاذ روش هایی دیگر حل خواهند نمود» (Adler, 1998: 6). به اعتقاد دویچ، وجود این گونه اجتماعات امنیتی را از یک سو می توان بر مبنای معیارهای ذهنی تصمیم گیرندگان و قشرهای سیاسی مهم تشخیص داد و از سوی دیگر، می توان وجود آن را با معیارهای عینی همانند آمادگی جنگی یا فقدان آن سنجید. آستانه ای وجود دارد که با گذر از آن، جنگ میان واحدهای سیاسی ناممکن می نماید و برای آن هیچ پیش بینی و تدارکاتی صورت نمی گیرد. به

1. Shiping Tang

2. Superstate

3. Political Community

4. Security Community

نظر دویچ، می توان گذر از این آستانه و شکل گیری اجتماع امنیتی را همگرایی نامید ( Deustch 1998).

### ۳. ابعاد امنیت اجتماعی

#### ۳-۱. ابعاد ذهنی، عینی، اخلاقی

آنچه که در بحث امنیت اجتماعی اهمیت پیدا می کند. بعد ذهنی، عینی، اخلاقی و انسانی امنیت است، که به آن خواهیم پرداخت.

امنیت اجتماعی حق مسلم تمام انسان هاست، از این رو اگر تمام بخش های مختلف اجتماع در کنار هم قرار گیرند سبب ایجاد اجتماع امنیتی باثبات می شود. عوامل بسیاری باعث شده که به لحاظ ذهنی نوعی نگرانی در جامعه به وجود آید که در امنیت تأثیر بگذارد. تغییر در ساخت جمعیت و تغییرات تکنولوژی که باعث تغییر شتابان الگوهای اجتماعی شده، همچنین شیوهی گذراندن اوقات فراغت، بحران هویت، تغییر ارزش های اخلاقی و فردگرایی افراطی و... همگی به لحاظ ذهنی سبب نوعی ناامنی در افراد جامعه می گردد (ملکی، ۱۳۸۵ ص: ۱-۲). نمونهی بارز آن روبه روشن شدن نسل جوان با انبوهی از سؤال های بی پاسخ است که از سوی خانواده، مدرسه، دولت، گروه های همسالان، احزاب و جمعیت ها و رسانه ها مطرح می شود. سؤال هایی که با افزایش حجم مبادلات فرهنگی روبه افزایش است و باعث مهم شدن بحث امنیت اجتماعی می شود. در مقولهی امنیت عینی می توان به وقوع جرم و جنایاتی اشاره کرد که در سطح جامعه اتفاق می افتد. وقوع جرم و هزاران اتفاق در جامعه بدون تردید نیازمند دست یابی به امنیت اخلاقی است.

صاحب نظران معتقدند که دست یابی به امنیت اخلاقی و اجتماعی نیازمند بازنگری همه جانبه در تجربیات پیشین است. آنها اعتقاد دارند که کالبدشکافی وجوه امنیت اخلاقی و اجتماعی بدون در نظر گرفتن تعامل ظریف و پیچیدهی آن ها با امنیت روانی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی و نقد ساختار هریک از اجزای یاد شده در کلیت جامعه و نظام امکان پذیر نیست. ضرورت رفع خلأهای قانونی و ابهام از قوانین موجود به ویژه در زمینهی پدیده های ناهنجار اجتماعی با استفاده از فقه مرفقی شیعه و اجتهاد زمان و مکان، فرهنگ سازی در خصوص تبیین قواعد و قوانین اخلاقی و اجتماعی و عدالت انتظامی - قضائی و اجتماعی نیز از جمله مواردی است که صاحب نظران و

کارشناسان در زمینه‌ی بازنگری در امنیت اخلاقی و اجتماعی بر سر آن ها اتفاق نظر دارند (افشار، ۱۳۸۷، ص: ۴).

### ۳-۲. بعد انسانی

ابعاد ذهنی، عینی، روانی، اخلاقی و حتی بعدهای دیگر امنیتی را می توان در قالب امنیت انسانی تعریف کرد. در واقع مفهوم امنیت انسانی در مقاطع زمانی مختلف، متناسب با سطح توسعه، میزان دموکراسی، اصول اخلاقی، نگرش و رفتار نسبت به جنسیت و بسیاری مسائل اجتماعی دیگر معانی کاملاً متفاوتی یافته، با نیازهای اساسی و تأمین آن ها و حقوق بنیادین انسان ها و احترام به این حقوق ارتباط پیدا کرده است.

امنیت انسانی در هر کشور به طور هم زمان در پنج سطح تهدیدات فردی، محلی، ملی، منطقه ای و جهانی تقسیم می شود. هر یک از سطوح نه تنها مشکلات و مسائل مربوط به خود را دارد با مشکلات سطوح دیگر نیز مرتبط است. بنابراین بهبود و افزایش امنیت انسانی در یک سطح بر سطوح دیگر نیز اثر مثبت دارد، همچنان که تهدید امنیت انسانی در یک سطح، سایر سطوح را نیز تهدید خواهد کرد. برای مثال تهدید امنیت فردی و کاهش قدرت و اختیار افراد در مشارکت در سطح محلی و ملی اثر گذار خواهد بود و همچنین سیاست های ملی محقق نخواهد شد. مگر آن که همکاری و مساعدت لازم صورت گیرد. همچنین امنیت انسانی از روحیه‌ی مهم رهایی از ترس و رهایی از نیاز تشکیل شده است. این دو رکن، امنیت انسانی را در ابعاد امنیت اقتصادی، محیط زیست، سیاسی، غذایی، فردی، بهداشتی و امنیت ارتباطات گسترش می دهد (کار گروه جامعه‌ی ایمن ارسنجان، ۱۳۸۷، ص: ۲-۳).

یکی دیگر از ابعاد مهم امنیت اجتماعی فرهنگ جامعه است. امنیت فرهنگی - اجتماعی برجسته ترین چهره و درونی ترین لایه‌ی «امنیت هستی شناختی» یک جامعه است. امنیت هستی شناختی بر «نوعی احساس تداوم در رویدادها، حتی آن های که به طور مستقیم در حوزه‌ی ادراک شخصی قرار ندارد» دلالت دارد. بنابراین امنیت هستی شناختی نشان از یک نیاز فردی دارد؛ نیاز به اطمینان از تداوم هویت خود و دوام محیط های اجتماعی و مادی کنش در اطراف خود، تحقق این نیاز مستلزم حصول ضریب مؤثری از «اعتماد»، «اطمینان» و «یقین» است. البته این رابطه یک رابطه‌ی تعاملی و دو سویه است. یعنی (به تعبیرگیدنز) هرچه افراد از امنیت هستی شناختی و وجودی

بیشتری برخوردار باشند نسبت به سایرین اعتماد بیشتری را بروز دهند و هرچه احساس این نوع امنیت مورد تهدید واقع می شود اعتماد متقابل در آن جامعه تقلیل و تحدید و یا محو می گردد. امنیت انسانی در هر کشور به طور همزمان در پنج سطح تهدیدات فردی، محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی مطرح می شود. هر یک از سطوح نه تنها مشکلات و مسایل مربوط به خود را دارد، بلکه با مشکلات سطوح دیگر نیز مرتبط است. بنابراین بهبود و افزایش امنیت انسانی در یک سطح بر سطوح دیگر نیز اثرات مثبت دارد، همچنان که تهدید امنیت انسانی در یک سطح، سایر سطوح را نیز تهدید خواهد کرد. برای مثال تهدید امنیت فردی و کاهش قدرت و اختیار افراد در مشارکت در سطح محلی و ملی اثرگذار خواهد بود. همچنین سیاست‌های ملی محقق نخواهد شد، مگر آن که در سطح محلی به امنیت آنان در سطح همکاری و مساعدت لازم با آن‌ها صورت گیرد. عدم امنیت در سطوح ملی می‌تواند بر وضعیت منطقه اثر گذارد و سطح ناامنی را تا کشورهای همسایه گسترش دهد. تجربه‌ی خاورمیانه و همچنین منطقه‌ی آسیا در مناقشات مربوط به عراق و افغانستان و یا ناآرامی‌ها در جمهوری‌های تازه استقلال یافته‌ی شوروی سابق نمونه‌هایی از این وضعیت هستند.

علاوه بر این، مؤلفه‌های امنیت انسانی نیز ارتباط متقابلی با یکدیگر دارند و تهدید یکی از اجزای امنیت انسانی، سایر اجزای آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. کمبود دسترسی به آب می‌تواند به فقر منجر شود، همچنان که توزیع ناعادلانه‌ی منابع، زمینه‌ی مهاجرت و گسترش امراض و بیماری‌ها را فراهم خواهد آورد. فقر ممکن است به نسل‌های دیگر انتقال داده شود و مهاجرت و جابه‌جایی مردم نیز شاخص‌های امنیت انسانی را در کشور میزبان به مخاطره می‌افکند (میوند، ۱۳۸۵ ص: ۳). بنابراین برخورد با هر سطحی از امنیت انسانی برای کاهش تهدیدات، مستلزم شناخت استعدادها و منابع برای حل مشکلات در سطوح دیگر نیز هست.

### ۳-۳. بعد فرهنگ

به نظر می‌رسد در کشور ما هنوز مفهوم امنیت ملی همگام با تحولات جهانی رشد نیافته است و همچنان از رویکردهای سنتی رنج می‌برد. وقتی سخن از دانش امنیت ملی به میان می‌آید باید آن را صرفاً در مراکز و دانشکده‌های نظامی و امنیتی و در مراکز تصمیم‌گیری فرهنگی و یا حتی مجامع عالی جستجو کرد.

موضوع امنیت ملی از زاویه های فرهنگی بیشتر یک مبحث تشریفاتی می نماید که گویی تا پیش از بدل شدن به یک بحران انتظامی و امنیتی از جایگاهی شایسته در ساختار نظام امنیت ملی کشور برخوردار نیست. صرف نظر از این واقعیت، مواجهه‌ی غیر فرهنگی با مقوله های فرهنگی موضوعی است که همواره کشور ما را در برابر تهدیدات فرهنگی آسیب پذیر ساخته است. این معضل صرف نظر از فقدان اعتقاد به وجود تهدیدی جدی از ناحیه‌ی فرهنگی، در فرض خوش بینانه به خلأ برآورد ملی از تهدیدات و خطرات باز می گردد. علاوه بر این، باید پذیرفت که فرآیند تصمیم گیری و تصمیم سازی در این زاویه، می بایست با نگاهی کاملاً تخصصی و از درون توده باشد و قطعاً نمی توان با فرمول یا نسخه های نظامی و امنیتی با تهدیدات فرهنگی مقابله‌ی مؤثر کرد. بر این اساس، شش ضعف اساسی در حوزه‌ی امنیت ملی قابل توجه می باشد:

۱. فقدان اعتقاد به وجود تهدید امنیتی جدی از زاویه‌ی فرهنگی (فقدان درک دقیق از مفهوم و مراتب تهاجم فرهنگی)؛

۲. وجود خلأ فرهنگ در تعریف امنیت ملی جمهوری اسلامی به جهت رشد نا متوازن این مفهوم همگام با تحولات جهانی؛

۳. فقدان برآورد ملی از مخاطرات و ترسیم ابعاد و دامنه‌ی تهدیدات فرهنگی؛

۴. عدم مواجهه‌ی تخصصی با مقولات فرهنگی در حوزه‌ی امنیت ملی (جمع آوری اطلاعات، پردازش، ثنوری سازی، تعیین استراتژی، تاکتیک، برنامه و اجرا)؛

۵. فقدان قدرت و اقتدار در مسئول و هماهنگ کننده‌ی یا رهبری فعال امور فرهنگی (مجامع تصمیم گیری فرهنگی)

۶. عدم گسترش دانش امنیت بیرون از دایره‌ی عناصر نظامی و امنیتی (فقدان مشارکت پذیری در تأمین امنیت ملی) (غلامی، ۱۳۸۶ ص: ۲۶).

در جامعه هویت های فرهنگی متعددی وجود دارند که بر میزان تحمل، انسجام و همزیستی مسالمت آمیز نقش به سزایی دارند و به مراتب تأثیر به سزایی بر امنیت فرهنگی جامعه دارند. از این منظر، امنیت فرهنگی ناظر است بر:

۱. میزان اقتدار و هژمونی ایدئولوژیک؛

۲. میزان تحمل، انسجام و همزیستی مسالمت آمیز هویت های فرهنگی سنتی در جامعه؛

۳. میزان پویایی صنعت فرهنگی و تولید و بازتولیدات فرهنگی؛

۴. میزان توانایی و استعداد در بخشودن و جفت کردن مدل های فرهنگی مناسب به دال های شناور در جامعه و مفصل بندی یک گفتمان فرهنگی مسلط؛
۵. میزان دسترسی و مقبولیت و مشروعیت؛
۶. میزان دربرگیری و بازتاب و بازنمایی دقیق و عناصر سایر خرده فرهنگ ها (میزان و چگونگی چندگونگی)
۷. میزان توانایی جامعه برای تداوم بخشیدن به ویژگی (سیاسی و فرهنگی) بنیادی خود تحت شرایط متحول و در مقابل تهدیدات احتمالی واقعی (ر.ک. به استراتژی های امنیت فرهنگی - اجتماعی، ۱۳۸۲، ص: ۲).

#### ۴. تهدیدات اجتماعی

##### ۴-۱. شاخص های تهدیدکننده ی یک اجتماع امنیتی از دیدگاه دویچ؛

- شش مورد مذکور در زیر را می توان به تهدیدهای غالب در اجتماعات نام برد. این عوامل که در نوشته های سال های ۱۹۷۹ و ۱۹۸۸ دویچ آمده عبارتند از:
۱. هر نوع افزایش سریع در بار اقتصادی، نظامی یا سیاسی بر اجتماع یا هر یک از واحدهای شرکت کننده (به ویژه اگر این افزایش در بار مسئولیت ها در مراحل اولیه و قبل از آن باشد که همگرایی از طریق یادگیری وفاداری ها و عادات سیاسی عمیق شده باشد)؛
  ۲. افزایش سریع در تحرک اجتماعی و مشارکت سیاسی که سریع تر از فرآیند همسان سازی مدنی با فرهنگ سیاسی مشترک اجتماع باشد؛
  ۳. افزایش سریع در تمایزات منطقه ای اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، زبانی یا قومی که سریع تر و قوی تر از فرآیند همگرایی و تأثیرات جبرانی آن باشد؛
  ۴. عقب ماندگی یا افول جدی در نهادهای سیاسی و اداری و ظرفیت های حکومت و نخبگان سیاسی به نسبت وظایف و مسئولیت های جاری که باید به آن ها پردازند؛
  ۵. انسداد نسبی نخبگان سیاسی که به شکلی حاد به کاهش ورود اعضا و افکار جدید منجر شود و از این طریق موجب گردد اعضای بالقوه ی نخبگان متقابل متخاصم تبدیل شوند؛
  ۶. ناتوانی سیستم در انجام به موقع اصلاحات و تعدیلات لازم یا مورد توقع جمعیت (که ممکن است پیشتر هم در برخی از حوزه های مهم در بیرون نمود یافته باشد) یا ناکامی در سازگاری به

موقع با افول از دست رفتن موقعیت یک اقلیت ممتاز یا مسلط (مانند موقعیت اقلیت سفید پوست در فدراسیون سابق رودزیا و یا نیوزیلند) (مشیرزاده، ۱۳۸۴صص: ۴۶-۴۵، گلشن پژوه، ۱۳۸۶ صص: ۳۴-۳۵).

بررسی هر یک از این عوامل در واقع ضعف و قوت های آن ها را با محیط های امنیتی موجود مشخص می کند. با این حال فرایند ساخت و تکمیل و بلوغ یک اجتماع امنیتی، فرآیندی زمان بر، نیازمند حوصله و سعه صدر، تساهل و بسیار محتاج تبیین تأثیرات مثبت این اجتماع در برابر عدم تشکیل آن و بیان و یادآوری دایم آن به لایه های تشکیل دهنده ی اجتماع می باشد.

#### ۴-۲. تهدیدات اجتماعی از دیدگاه جامعه شناسی

جوامع در حال گذر جوامعی هستند که به دلیل تغییرات متنوع و متعدد معمولاً با تضادهای مختلفی در زیر ساختارها و زیر ساخت های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی مواجهند. عدم تطابق و رشد ناهماهنگ عناصر مادی و غیر مادی فرهنگ در این جوامع، موانع و مشکلاتی را در سازگاری اجتماعی به وجود آورده است. در چنین جوامعی افراد به سختی و به زحمت می توانند خود را با محیط سازگار و با تغییرات و دگرگونی های تازه و سریع همراه کنند. لذا از این حیث دارای تداخل های فرهنگی، بی هنجاری و ناهنجاری کشاکش های مختلف اجتماعی، از خود بیگانگی و در سطحی وسیع تری سازمانی و از هم گسیختگی اجتماعی هستند. این بی نظمی ها و بی سازمانی ها منجر به عدم تعادل و ثبات اجتماعی در مقاطع مختلف زمانی، افزایش آسیب پذیری ها و تحمیل بحران های مختلف اجتماعی شده است که در صورت عدم توجه و بر نامه های صحیح می تواند نه تنها امنیت ملی- اجتماعی که امنیت وجودی و هستی شناختی آن ها را با تهدیدی جدی مواجه کند.

تهدیدات اجتماعی را می توان در دو سطح داخلی و بین المللی مورد بررسی قرار داد. تهدیدات داخلی از جامعه ای به جامعه ی دیگر متفاوت است. در واقع میزان توسعه ی قدرت نظام می تواند در کاهش انحرافات اجتماعی نقش تعیین کننده ای داشته باشد. ایران از جمله کشورهای در حال توسعه ی در حال گذار است که همواره آسیب ها و تهدیداتی از قبیل بیکاری، بحران هویت، فرسایش سرمایه گذاری اجتماعی، خودکشی، افزایش جرایم جنسی، دختران فراری، کودکان خیابانی و کار، فرار مغزها، فقر، شکاف طبقاتی، نابرابری و بی عدالتی اجتماعی، فساد مالی و اداری، رشوه و ارتشا، قاچاق انسان، خشونت علیه زنان، طلاق، اعتیاد، تمایز نسلی، مهاجرت

روستا به شهر و حاشیه نشینی و... امنیت ملی را ممکن است به خطر بیندازد (فاضل و آشتیانی، ۱۳۸۵ ص: ۵، میوند، ۱۳۸۵ ص: ۲).

در جامعه شناسی انحرافات و آسیب های اجتماعی را بر اساس سه دیدگاه تقسیم بندی می کنند. ۱. دیدگاه کارکردگرایی که معتقد است جامعه سیستمی از بخش های مرتبط است که هماهنگ با یکدیگر در جهت حفظ تعادل و توازن اجتماعی کار می کنند.

۲. دیدگاه کشمکش: جامعه را متشکل از گروه هایی می داند که برای دست یابی به قدرت و منابع با هم رقابت می کنند. دو نظریه در این دیدگاه وجود دارد.

الف). مارکیستی: کشمکش اجتماعی را بر اساس اقتصادی و بی عدالتی و اختلاف طبقاتی می داند.

ب). غیرمارکیستی: کشمکش اجتماعی را ناشی از رقابت بر سر ارزش ها و منافع در بین گروه های اجتماعی می داند.

۳. دیدگاه کنش متقابل نمادین که برخلاف دو دیدگاه قبل منعکس کننده دیدگاه جامعه شناسی خرد است و بر این نکته تأکید دارد که رفتار انسانی تحت تأثیر معانی قرار دارد که در کنش متقابل نمادین با دیگران خلق می شود و تداوم می یابد (فاضل و آشتیانی، ۱۳۸۵ صص: ۲-۳).

بر اساس دیدگاه های مطرح شده می توان علت بروز تهدیدات اجتماعی را ناشی از عوامل زیر دانست:

- تقویت روحیه فردگرایی
- اصطکاک منافع
- نبود قانون
- ناکارآمدی نظام اداری
- آنومی و رشد ناهنجاری
- وجود گروه ها و اقلیت های قومی - فرقه ای در جامعه



#### ۴-۲-۱. تقویت روحیه فردگرایی

در وضعیت غالب بودن «احساس عدم امنیت» روح جمعی که نگاه دارنده و پیوند دهنده هر جامعه ای است (از جوامع بدوی تا جوامع مرفعی و پیشرفته) به تدریج ضعیف و نا کارآمد می شود و «فردیت» آحاد انسانی محور شکل گیری حرکت ها و تعاملات اجتماعی می شود. در چنین حالتی، توانمندی های فردی به کار جمع نمی آید و استعدادها در جهت بهبود شرایط کلی جامعه به کار گرفته نمی شود و ساختار «هویت ملی» دچار گسیختگی می گردد و این خود زمینه ساز رشد بسیاری از ناهنجاری هایی است که می تواند جامعه را از مسیر توسعه و پیشرفت دور کند (نوری، ۱۳۸۷، ص: ۳). در حقیقت در جامعه ای بی بهره از قواعد و ضوابط تامین کننده منافع جمعی، فرد با احساس تنهایی و ناامید از حمایت گروهی، خود را همواره در معرض تهدید می بیند و ضمن نگرانی از سرنوشت آینده به چاره جویی های فردی می پردازد و تا آنجا که می تواند حساب خود را از حساب جمعی دور نگه می دارد.

#### ۴-۲-۲. اصطکاک منافع

تغییر وضعیت از جامعه ای برخوردار از نوعی هویت گروهی و جمعی و ملی به جامعه ای از هم گسیخته و دچار پراکندگی، طیف های وسیعی از افراد ناهمگون و نا متجانس را در مقابل هم قرار می دهد تا هر یک برای حفظ خود در اندیشه از پای انداختن دیگری باشد و برای رسیدن به مقصود خود را مجاز به استفاده از هر وسیله ای (عمدتاً نا مشروع و نا موجه) بداند. در این شرایط نابسامان که حاکمیت قانون به ضعف می گراید و قواعد و ضوابط اجتماعی جایگاه تعریف شده ی قابل قبولی برای جمع ندارد، تمایلات و سلیقه های فردی جایگزین قوانین جمعی می شود و تضادهای طبیعی منافع فردی حرکت جمعی جامعه را از مسیر رشد و تکامل دور می سازد و بسته به میزان قدرت و قوت هر دسته و گروهی که اداره امور را به دست می گیرد. در این صورت مسیرهای تازه اما انحرافی برای جمع ترسیم می شود که خود تضادهای جدید تری را به جامعه تحمیل می کند (نوری، ۱۳۸۷، ص: ۳) این دور باطل تضاد منافع این گروه ها و در نتیجه برخورد آنها با هم، امکان رشد طبیعی را از جامعه سلب می کند و در مقابل زمینه ای مساعد برای گسترش ناهنجاری های فراوان ایجاد می کند که در سایه آن هر فرد و گروهی خواسته ها و تمایلات خود را در آن جستجو می کند.

۴-۲-۳. نبود قانون

زندگی مسالمت آمیز افراد در یک جامعه، تنها در صورت رعایت قواعد مشترک ممکن می‌گردد. اما این قواعد مشترک باید واجد ویژگی‌هایی باشند که بتوانند به این هدف برسند. قانون و قوانین مناسب، بستر شکل‌گیری ساختاری اجتماعی است که می‌تواند، تأمین‌کننده‌ی امنیت اجتماعی در هر جامعه‌ای باشد. این موضوع از جهات مختلف قابل بررسی است. نخستین بحث، تناسب قوانین با نیازهای اجتماعی هر جامعه است. قانون باید منعکس‌کننده مناسبات و روابط اجتماعی در هر جامعه باشد و برای تنظیم روابط اجتماعی همان جامعه مورد استفاده قرار گیرد. بحث بعدی قابلیت اجرای یک قانون است. قانون مصوب باید در شرایط اجتماعی و سیاسی هر جامعه به صورت قطعی قابلیت اجرا داشته باشد و به هیچ وجه با موانعی که اجرا را غیر ممکن می‌سازد روبه‌رو نشود. تصویب چنین قوانینی که شرایط اجتماعی جامعه، امکان اجرای آن را نمی‌دهد موجب می‌شود که مشروعیت اصل قانون زیر سوال رود و نوعی بی‌اعتمادی نسبت به قوانین در جامعه ایجاد شود که این به معنای بی‌اعتبار شدن قانون در کلیت آن است که آثار بسیار وخیمی در حیات جامعه خواهد داشت.

صاحب‌نظران معتقدند بخش عمده‌ی بحران موجود در زمینه‌ی امنیت اجتماعی در ایران، به نارسایی قوانین مربوط می‌شود. بر اساس قوانین موجود روند احقاق حق در ایران، بسیار دشوار و طولانی است، این مسأله موجب می‌شود که امنیت اجتماعی در معرض تهدید قرار گیرد. علاوه بر این نوعی بی‌اعتمادی و بدبینی مضاعف نسبت به قوانین موجود و عدم رجوع به مراجع قانونی برای رسیدگی قضائی می‌شود که خود آثار منفی بسیاری بر سلامت اجتماعی دارد (افشار، ۱۳۸۷، ص: ۳).

۴-۲-۴. ناکارآمدی نظام اداری

از جمله تهدیدات جامعه‌ی ما، ناکارآمدی نظام سیاسی است. در این باره می‌توان به ضعف بخش اقتصاد، ناکارآمدی سیستم اداری کشور و قطبی شدن جامعه اشاره کرد. اگر قطبی شدن جامعه را از دیدگاه اقتصادی مورد توجه قرار دهیم (نابرابری شدید اقتصادی) و در کنار آن از متغیری به نام رشد فزاینده‌ی آموزش عالی یاد کنیم، به یاد تحلیل‌های لرنر<sup>۱</sup> خواهیم افتاد که بیانگر

افزایش «محرومیت نسبی» در جامعه است. محرومیت نسبی یک تهدید امنیتی است که می تواند باعث بروز اغتشاشات اجتماعی و یا سایر اشکال رفتارهای خشونت آمیز گردد. این موارد را می توان در زمره ی تهدیدات عارضی امنیت ملی طبقه بندی کرد. افزایش نرخ آموزش عالی در کشور در صورت همراه شدن با نابرابری شدید در حوزه ی اقتصاد به بروز شکاف ها و رخنه هایی در امنیت ملی از نگاه حکومتی منتهی خواهد شد (علینقی، ۱۳۸۰ ص: ۱۲۹).

بر این اساس چنانچه پدیده ها، وضعیت ها یا اقدامات در بخش اقتصادی بقای جمعیت را به خطر اندازد این موضوع، تهدید علیه امنیت ملی شناخته خواهد شد. در چارچوب حوزه ی اقتصادی منظور از بقاء جمعیت و خطرهای آن همان مسئله ی معیشت مردم است. یعنی مردم یک کشور از جهت دست یابی به مایحتاج روزمره ی خود دچار معضلات خطرناک، گردد یا روند اقدامات یا وضعیت به سوی گسترش هر چه بیشتر فقر در جامعه حرکت نماید. چنین وضعیتی را می توان مترادف با تهدید اقتصادی علیه امنیت ملی دانست (Buzan, 1998:22).

امنیت با وجود مشروعیت و مقبولیت تحقق پیدا می کند، یعنی هر چه قدر اختلاف ذهنیت میان توده های مردم و نخبگان بیشتر شود، جامعه در سطح بیشتری دچار عدم امنیت خواهد شد. و نتیجه ی آن از خود بیگانگی، غیر سیاسی شدن، انفعال مردم و رفتارهای سیاسی زیر زمینی خواهد بود. از این رو برای کاهش تنش در جامعه چاره ای جز جابه جایی نخبگان وجود نخواهد داشت.

#### ۴-۲-۵. آنومی و رشد ناهنجاری

منظور از مفهوم «آنومی» یک وضعیت بی قاعدگی یا «بی هنجاری» است که در این شرایط افراد قادر نیستند بر اساس «یک نظام از قواعد مشترک» ارتباط متقابل برقرار کنند و نیاز های خود را ارضا نمایند. در نتیجه، نظم فرهنگی و اجتماعی از هم می پاشد. به عبارت دیگر آنومی به معنای شرایط بی هنجاری است یعنی خلأ اخلاقی و تعلیق قواعد و گاهی بی قانونی است. بی هنجاری در واقع نشان دهنده ی شرایطی است که رفتارها از قبل به طور هنجاری معین شده و با یک بحران اجتماعی، تعادل جامعه بر هم ریخته است، در نتیجه ضرورت وجود و به این ترتیب بی هنجاری گسترده ای به وجود می آید که به زعم «پارسونز» به مفهوم «اختلال کامل نظم هنجاری» است (مجبویی منش، ۱۳۸۷ ص: ۲).

جامعه ای که اهداف و برنامه های مشترک در آن تعریف نشده و یا تعریف شده ی آن تحمیلی و نامقبول است و فراوانی خواسته ها طبعاً راههای ناهمگون برای رسیدن به مقصود برای آن فراهم

می کند، و به میدان رقابتی تبدیل می شود که قواعد آن را میزان توانایی های گروه و دسته‌ی پیروز تعیین می کند، در نبود قواعد و قوانین مورد قبول همه، آنچه بیش از هر عامل تعیین کننده ای رخ می نماید، بی راهه ها و میان برهائی است که راه رسیدن به خواسته ها را تسهیل می کند. در چنین وضعیتی که هدف (فردی) توجیه کننده‌ی وسیله و ابزارش می شود «اخلاق جمعی» که از تبعات مهم و احترام به قانون است به محاق می رود و هر خصیصه‌ی منفی شخصیتی که فرد را آسان تر و سریع تر به مقصود می رساند، به فردی تبدیل می شود که راه صعود به قله‌ی خواسته ها را برای او هموار می کند (نوری، ۱۳۸۷، ص: ۴).

#### ۴-۲-۶. وجود گروه ها و اقلیت های قومی - فرقه ای در جامعه

تنوع قومی و فرقه ای در یک کشور، جدای از این که در زمان وقوع بحران می تواند عامل انسجام و اتحاد یک کشور باشد ولی در مقابل، در صورت سازمائی نبودن، آن ها عامل تفرقه و تهدیدی برای امنیت ملی کشور می شوند. پرداختن به این مسئله از اهمیت بسیاری برخوردار است چرا که وجود یک کشور با انسجام مانع وقوع بسیاری از بحران های داخلی و بین المللی می شود. لذا توجه به این مسئله لازم و ضروری است.

از اواسط دهه‌ی ۱۹۹۰ منازعات مسلحانه‌ی قومی و جنگ های داخلی بین قومی کاهش یافت و در گرایش از جنگ به سمت مذاکره تغییراتی به وجود آمد. برخی از تحلیل گران از این امر به عنوان صلح کوتاه یاد کرده اند و سه دلیل فروپاشی دولت های چندقومی بلوک شرق یا بازسازی ساختاری آن ها، افزایش ظرفیت های دموکراتیک و شیوه های مدنی برای پاسخ به چالش های ناسیونالیسم قومی و در نهایت تلاش های بین الملل در پیش گیری ساختاری و مداخله‌ی بشر دوستانه علیه خشونت های قومی را به عنوان عوامل کاهش دهنده‌ی این نوع منازعات مطرح نموده اند (Gurr, 1994:99). تد رابرت گر در کتاب "مردم علیه دولت ها"، به بخشی از منازعه‌ی سیاسی- قومی شدید در جهان طی سال های ۹۴-۱۹۹۳ اشاره می کند که هدف آن ها خودمختاری یا استقلال بوده و نهایتاً بسیاری از آن ها به انقلاب و شورش، دموکراسی یا تشکیل دولت های جدید ملی یا محلی ختم شده است (Gurr, 1999:92).

کشوری که از تنوع قومی برخوردار است ممکن است با هرگونه درگیری و جنگ و یا جنبش های استقلال طلبانه‌ی امنیت ملی کشور به خطر بیافتد از این رو وظیفه‌ی دولت وجود نوعی

اتحاد و همبستگی در جامعه است. کشور ایران از جمله کشورهایی است که دارای تنوع قومی است. همسایگان ایران (ترکیه، عراق، سوریه، کویت و...) از جمله کشورهایی است که به لحاظ قومیت ترک، کرد و عرب نفوذ متقابلی را در میان قومیت های داخل ایران دارند از این رو وجود هرگونه درگیری و جنبش های استقلال طلبانه ممکن است سبب تحریک این قومیت ها گردد و تهدیدی برای امنیت ملی کشور باشد.

بوزان معتقد است تهدیدات اجتماعی را نمی توان از تهدیدات سیاسی جدا کرد. از نظر وی تهدیدات اجتماعی زمانی واقع می شوند که اصولاً ماهیت اجتماعی یک دولت در معرض خطر قرار گیرد. بوزان امنیت اجتماعی را توان حفظ و ایمنی الگوهای سستی زبان، فرهنگ، هویت مذهبی، نژادی یک تحول یا ترتیبات جدید را به عنوان یک تهدید علیه بقانشان (هویت اجتماعی) تعریف می کند (بوزان، ۱۳۷۸ ص: ۳۶). وی معتقد است که هویت ملی اغلب از داخل کشور چند قومی مورد تهدید قرار می گیرد و فرایند دولت- ملت اغلب متوجه خاموش کردن یا حداقل یکسان سازی هویت اجتماعی شبه ملی می شود.

ایران به عنوان یک کشوری که دارای تنوع قومی- فرقه ای است همیشه از سوی بسیاری از مخالفان نظام جمهوری اسلامی ایران مورد تهدید قرار می گیرد. مهمترین تهدیدات ایران از این ناحیه عبارتند از:

۱. افزایش شکاف سیاسی- فرهنگی میان جمهوری اسلامی ایران با کشورهای عربی سستی منطقه (عراق، لبنان، بحرین، یمن و عربستان و...);
۲. تضعیف انسجام ملی مردم ایران از طریق تنش های قومی- فرقه ای؛
۳. بستر سازی برای حرکات افراطی و ایجاد آشوب های قومی- فرقه ای مسلحانه (مقدم، ۱۳۸۶ ص: ۹).

می توان اذعان نمود که قومیت و ناسیونالیسم قومی، امروزه می تواند به عنوان یک متغیر راهبردی، همپای متغیرهایی مانند ژئوپولیتیک و منابع راهبردی مانند نفت و یا محیط بین المللی، تبیین گر مسائل بنیادین به ویژه امنیت ملی جوامع چند قومی در حال گذر باشد. بنابراین ایران می تواند از طریق رایزنی فرهنگی میان اندیشمندان اسلامی (اهل تسنن و شیعه) جلوگیری از افراط و تفریط در مراسم مذهبی، بستر سازی برای افزایش مشارکت سیاسی اقوام ایرانی، تقویت و توسعه روابط دوجانبه با کشورهای همسایه و... به مهار تنش قومی و فرقه ای بپردازد.

## ۵. تهدیدات امنیتی جمهوری اسلامی ایران

شناخت دقیق و صحیح تهدیدات فراروی نظام جمهوری اسلامی ایران، در کنار بررسی ضعف‌ها و قوت‌های آن توانایی لازم را برای حفظ و افزایش منافع و اهداف ملی و بالا بردن توان امنیت ملی فراهم می‌نماید. شکست‌ها و ناکامی‌ها در عرصه‌ی داخلی و خارجی عمدتاً به تحلیل نادرست از ماتریس فرصت و تهدید از یک سو و ضعف قوت‌های نظام از سوی دیگر بر می‌گردد. در مدل‌های تحلیل سیاسی، یکی از روش‌های مسائل سیاسی روز مدل استراتژیک<sup>۱</sup> می‌باشد. در این مدل با شناسایی قوت‌ها و ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها و ترسیم ماتریس مربوط به اتخاذ موقعیت راهبردی به تعیین یکی از رویکردها و راهبردهای تهاجمی، تدافعی، رقابتی و محافظه‌کارانه اقدام می‌گردد.

تهدیدات امنیتی فراروی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان به طور کلی به موارد زیر تقسیم کرد.

### ۵-۱. تهدیدات امنیتی از سوی آمریکا بر علیه ایران

پیروزی انقلاب اسلامی و فروپاشی رژیم پهلوی در بهمن ۱۳۵۷ باعث ظهور ایران به عنوان بازیگر منطقه‌ای عمده و معارض سیاست‌های آمریکا در خاورمیانه شد. این امر موجب طراحی سیاست‌ها و استراتژی‌های مختلف از سوی واشنگتن در جهت کنترل و تضعیف ایران از دهه‌ی ۱۹۸۰ تاکنون به شکل‌های مختلف شده است. استراتژی مهار ایران از سوی ایالات متحده آمریکا شامل محورها و ابعاد متعددی است. تقویت ترتیبات نظامی - امنیتی دوجانبه با دولت‌های حاشیه‌ی خلیج فارس، تلاش برای تشکیل ائتلاف عربی - اسرائیلی در مقابل ایران، تشدید فشارهای سیاسی و اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی و حضور گسترده سیاسی و نظامی در منطقه آسیای مرکزی از محورهای اصلی استراتژی مهار ایران است. مهمترین اقدامات و سیاست‌های دولت آمریکا که در چهارچوب تهدید علیه ایران صورت گرفته به قرار زیر است:

۱. حمله‌ی نظامی تمام عیار به ایران و اشغال خاک ایران، که بر اساس تجربه‌ی عراق حمله‌ی تمام عیار دشمنان بر علیه نظام جمهوری اسلامی میسر نیست.

۲. حمله‌ی به تأسیسات هسته‌ای ایران: این موضوع بارها با هشدار تمام از سوی آمریکا و رهبران رژیم صهیونیستی مطرح گردیده است، شواهدی نیز وجود دارد که این برنامه هنوز در دستور کار آن هاست. البته تردیدی جدی در دست زدن به چنین اقدامی از سوی استراتژیست‌های آمریکایی وجود دارد (سارویی، ۱۳۸۶ ص: ۱).

۳. پروژه‌ی خاورمیانه‌ی بزرگ: این پروژه سلطه‌ی نوینی را با روش جدید تحت عنوان دموکراسی سازی بر منطقه حاکم می‌کنند، که با مواضع و امنیت ملی ایران در تضاد است. آمریکایی‌ها در این پروژه به دنبال تغییرات اساسی در سطوح اقتصادی، سیاسی و فرهنگی منطقه‌ی خاورمیانه هستند بنابراین پروژه خاورمیانه بزرگ می‌تواند قابلیت تهدیدکنندگی علیه ایران داشته باشد.

۴. گسترش حضور نظامی بیگانگان: توسعه و گسترش پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه و اطراف مرزهای جمهوری اسلامی ایران یکی دیگر از تهدیدات خارجی محسوب می‌شود. حضور نظامی آمریکا در منطقه در چند سطح قابل بررسی است:

- حضور ارتش آمریکا در افغانستان (۱۰ هزار نفر)، عراق (۱۳۵ هزار نفر) و پاکستان (۲۰ هزار نفر).
- گسترش پایگاه‌های نظامی شامل ۷ پایگاه در افغانستان، پایگاه‌های نظامی در عربستان، بحرین، عمان، امارات و نیز پایگاه‌های نظامی در آذربایجان، ازبکستان، قرقیزستان، گرجستان و...

- قراردادهای تسلیحات آمریکا و پیمان‌های دفاعی دوجانبه.
- خرید تسلیحات آمریکا توسط کشورهای منطقه.
- حضور گسترده‌ی سازمان سیا و عوامل آن (سارویی، ۱۳۸۶ ص: ۲).
- بنابراین با توجه به خصومت و دشمنی آمریکا از ابتدای انقلاب اسلامی ایران چنین حضور گسترده و متنوع در منطقه به عنوان تهدید ایران محسوب می‌گردد.

## ۵-۲. تهدیدات امنیتی اسرائیل بر علیه ایران

به طور کلی تهدیدات اسرائیل بر علیه ایران را می‌توان در قالب تهدیدهای مستقیم و غیرمستقیم، تهدیدهای بالفعل و بالقوه مورد بررسی قرار داد که در این جا تهدیدهای مستقیم و غیرمستقیم را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

## ۵-۲-۱. تهدیدهای مستقیم

منظور از تهدیدهای مستقیم تهدیدهایی است که اسرائیل می تواند در کوتاه مدت و بالفعل و از طریق توانایی های مختلف نظامی، سیاسی و تبلیغی خود بر امنیت ملی ج.ا. ایران وارد کند. این تهدیدها در سه حوزه‌ی نظامی، اقتصادی و سیاسی - تبلیغی قابل بررسی و تجزیه و تحلیل است:

الف). تهدیدهای نظامی: تهدیدهای نظامی اسرائیل هم می تواند عامل مهمی در تهدید امنیت ملی ایران قلمداد شود. اسرائیل از نظر نظامی به پشتیبانی آمریکا برترین قدرت نظامی در خاورمیانه است. به طور کلی در سال های اخیر عوامل تقویت کننده‌ی تهدید اسرائیل نسبت به امنیت ملی ایران افزوده شده است. یکی از مهم ترین این عوامل حضور قدرتمندانه‌ی نظامی استراتژیک آمریکا در منطقه پس از تسخیر عراق می باشد و روابط استراتژیک اسرائیل با آمریکا و حمایت های وسیع نظامی و تبلیغاتی آمریکا از آن کشور ضریب تهدیدهای امنیتی اسرائیل بر ضد ایران را به شدت افزایش می دهد (رنجبر، ۱۳۸۲ صص: ۲۳۸-۲۴۰). از این رو در جنگ فرضی ایران و اسرائیل نقش آمریکا را نمی توان نادیده گرفت. قدرت هسته ای اسرائیل از دیگر موارد تهدید علیه ایران است. یکی از اهداف اصلی بازدارندگی هسته‌ای اسرائیل ایران است. از دید استراتژیست های اسرائیل، اسرائیل در روبرویی با ایران، چاره ای ندارد جز این که بر الگوهای سنتی بازدارندگی هسته ای تکیه کند. «شیمون پرز» نیز در این باره معتقد است که «ترس عراق و ایران عامل بازدارنده ای است که ما در اختیار داریم» (به نقل از متقی، ۱۳۷۶ ص: ۶). گزینه‌ی دیگری که ممکن است اسرائیل با حمایت های آمریکا بدان مبادرت ورزد تلاش برای دخالت دادن مجامع بین المللی به ویژه شورای امنیت در برنامه های هسته ای ایران و نظارت دائمی آنان می باشد فشارهایی که در حال حاضر برای پذیرش پروتکل الحاقی صورت می گیرد، می تواند در راستای این اهداف تحلیل گردد که در این صورت تحقق آن، ضربات سنگینی را بر برنامه های هسته ای کشور وارد می کند.

ب) تهدیدهای اقتصادی: افزایش قدرت اقتصادی اسرائیل به طور هم زمان با هدف تضعیف اقتصادی کشورهای دیگر منطقه و به ویژه ایران، تعقیب می شود. همچنین نقش ضعف های اقتصادی خود یک عامل اساسی تهدید می باشد. بنابراین اسرائیل چالشهای اقتصادی جمهوری اسلامی ایران را به منزله‌ی یک سیاست جدی تعقیب می کند. گروهی معتقدند که تحریم های اقتصادی آمریکا علیه ایران تحت شعاع اسرائیل و لابی طرفدار آن طراحی و اجرا شده است.



از لحاظ اقتصادی یکی از اهداف اصلی تحریم‌ها تضعیف و انزوای اقتصادی ایران می‌باشد. از سوی دیگر یکی از اهداف عمده‌ی اسرائیل در سال‌های اخیر، سلطه‌ی اقتصادی در منطقه‌ی خاورمیانه است که نگرانی کشورهای منطقه را موجب شده است. در حقیقت با توجه به نقش اسلام در منطقه و به عنوان پایه‌ی مشترک برای همکاری و تعامل اقتصادی هدف اسرائیل نوعی هویت زدایی است (رنجبر، ۱۳۸۲ صص: ۲۴۶-۲۴۷).

ج). تهدیدهای تبلیغی و سیاسی: شاید مهم‌ترین و بالفعل‌ترین تهدیدهای اسرائیل بر علیه جمهوری اسلامی ایران، در حال حاضر تهدیدهای سیاسی و تبلیغی آن کشور است. از مهم‌ترین موارد تهدیدهای تبلیغی و سیاسی اسرائیل می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- بزرگ‌نمایی تهدیدهای امنیتی ناشی از ایران؛
- تبلیغ در مورد تلاش ایران برای رسیدن به تسلیحات هسته‌ای؛
- تلاش برای بدبینی و بی‌اعتمادی کشورهای منطقه و جهان نسبت به فعالیت‌های هسته‌ای ایران؛

- مسأله‌ی بنیادگرایی اسلامی و طرفداری جمهوری اسلامی ایران از آن و
- القای نقش ایران در کندی فرایند صلح در خاورمیانه (رنجبر، ۱۳۸۲ صص: ۲۴۹-۲۴۷).

#### ۵-۲-۲. تهدیدهای غیر مستقیم

منظور از تهدیدهای غیرمستقیم اسرائیل، تهدیدهایی است که اسرائیل از طریق دیگر کشورها و تخریب روابط ایران با دنیای خارج و تأثیرگذاری بر روابط سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای بر امنیت ملی ج.ا. ایران وارد می‌کند. در سطح منطقه‌ای، برخی از کشورهای خاورمیانه، آسیای مرکزی و قفقاز در کانون توجه اسرائیل قرار دارند و تل‌آویو تهدیدهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی خود را از طریق این کشورها بر ایران وارد می‌سازد. صهیونیست همواره تلاش کرده است تا از بهبود روابط ایران با کشورهای دیگر از جمله آمریکا، اتحادیه‌ی اروپا جلوگیری کند و حتی از طریق لابی‌های طرفدار خود در آمریکا، دولت این کشور را برای تحریم علیه ایران تحریک کند. به هر حال اسرائیل یکی از مهم‌ترین تهدیدهای امنیتی علیه ایران است که ایران می‌تواند از طریق اتحاد با جهان اسلام، یکپارچه در مقابل تهدیدهای اسرائیل مقاومت نماید.

### ۵-۳. جنگ نوم

این تهدید شکل دیگری از تهدیدات موجود و آتی دشمنان علیه ایران اسلامی است. در این جنگ رسانه‌ها مهم‌ترین ابزارها هستند. سرمایه‌گذاری سال‌های گذشته‌ی غرب در راه اندازی و حمایت از رسانه‌های مخالفان و فعال شدن بیش از ۳۰ شبکه‌ی تلویزیون ماهواره‌ای ضد انقلاب و فعال بودن دهها رادیوی متعدد نظیر رادیو آمریکا، رادیو فردا، رادیو آزادی و پخش برنامه‌های شبانه روزی علیه ایران از جمله آن‌هاست. در جنگ نرم مهم‌ترین قوت جمهوری اسلامی ایران یعنی ایمان و اعتقاد مردم به اسلام، انقلاب و آرمان‌های امام خمینی (ره) و رهبری جمهوری اسلامی توسط رسانه‌های ضد انقلاب مورد هدف قرار می‌گیرد (سارویی، ۱۳۷۶: ص ۲).

### ۵-۴. جهانی شدن

جهانی شدن یکی از مفاهیمی است که در عصر حاضر تمام ابعاد زندگی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی بشری را در حیطه‌ی خود قرار داده است. نظریه پردازان از جهانی شدن به عنوان عامل به وجودآورنده‌ی بسیاری از مشکلات و معضلات جامعه‌ی بشری نام می‌برند. جهانی شدن چه به مثابه‌ی پروسه و پروژه و یا پدیده بر امنیت ملی ج.ا. ایران تأثیر گذار است. این تأثیرات به ایفای نقش بازیگری، نخبگان جمهوری اسلامی، سیستم مدیریتی کلان و منابع، ظرفیتها و امکانات کشور بستگی دارد. زمینه‌های مناسب و امکانات فرهنگی و سیاسی، ژئوپولیتیکی ایران در جهانی شدن می‌تواند فرصت‌های جدی و مناسبی را که تضمینی است بر امنیت ملی برای جمهوری اسلامی فراهم کند. در غیر این صورت به حذف فرصت‌ها و تهدید امنیت ملی جمهوری اسلامی منجر خواهد شد (عیوضی، ۱۳۸۳: ص ۲). جهانی شدن جدای از فرصت‌های بسیاری که در پی دارد، از سوی دیگر به عنوان یک عامل تهدید در زمینه‌های مختلف سیاسی-اقتصادی و اجتماعی خواهد بود.

جهانی شدن اقتصاد پیامدهای متفاوتی را بر دولت‌ها خواهد گذاشت. جهانی شدن اقتصاد می‌تواند یک فرصت باشد و موجب توسعه‌ی بازارهای جدید و رای مرزهای ملی خواهد شد و ابعاد بازار را برای صدور کالا به صورت چشم‌گیری گسترش خواهد داد. اما ممکن است در بازارهای جهانی کالای کشور نتواند در برابر کیفیت و قدرت کالاهای کشورهای بزرگ رقابت

کند چرا که کالای کشوری مثل آمریکا، چین و دیگر کشورهای اروپایی در عرصه‌ی بازارهای جهانی حرف اول را می‌زند و از این نظر یک تهدیدی برای کالاهای کشور به حساب می‌آید. چالش مهم دیگر در عرصه‌ی جهانی شدن، چالش قومیت است. نگاه به قومیت‌ها در بحث جهانی شدن آن‌جا موضوعیت می‌یابد که همواره به عنوان مانعی در راه توسعه‌ی آن در نظر گرفته شده است. هویت قومی که برآمده از گرایشات، تعلقات، مناسک و آداب خاص هر قوم بوده و در جهت‌گیری‌ها و ایفای نقش اعضایش در عرصه‌های مختلف موثر است و این به عنوان یکی از عمده‌ترین چالش‌های جهانی شدن مطرح می‌گردد به طوری که احتمالاً در آینده‌ی نزدیک شاهد تحقق بنیادگرایی قومی و مذهبی خواهیم بود (رمضانی، ۱۳۸۶، ص: ۲).

ایران که از قومیت‌ها و ملیت‌های مختلف تشکیل شده در شرایط جهانی شدن و به پاخاستن خرده فرهنگ‌ها از جمله کشورهای آسیایی است که اولاً باید روابط خارجی خود را با همسایگان به گونه‌ای سامان دهد که مداخلات آن‌ها را به حداقل برساند ثانیاً در داخل نیز شرایط مناسبی فراهم آورده که هیچ قومی احساس نکند نسبت به حقوق آن (سیاسی، اقتصادی، فرهنگی) اعمال تبعیض می‌شود (مینایی، روزنامه‌ی ایران: ۴، ۱۳۸۶/۵/۷).

در مجموع جهانی شدن به عنوان یک متغیر مستقل، تهدیدها و فرصت‌هایی برای امنیت جمهوری اسلامی ایران پدید آورده است که عبارتند از: تهدید هویت (هویت‌های قومی)، گسترش اصول و ارزش‌های دموکراسی، گسترش اقتصاد بازار و گسترش تسلیحات هسته‌ای، خیزش هویت‌های قومی با توجه به تکثر هویت در ایران، تهدید لیبرال دموکراسی علیه نظام سیاسی ایران (با تلفیق دین و حکومت). بنابراین جمهوری اسلامی ایران در عرصه‌ی جهانی شدن از طریق ارزیابی درست تهدیدات، شناخت فرصت‌ها، کاهش و کنترل تهدید و کاهش آسیب‌پذیری داخلی و همچنین اتخاذ استراتژی فرهنگی بر اساس تأکید بر استقلال ملی و هدایت هویت‌یابی مرکب می‌تواند گامی موفق در جهت مقابله با تهدیدات جهانی بردارد.

## ۵-۵. حقوق بشر

یکی از تهدیدات غرب علیه جمهوری اسلامی ایران بهره‌گیری از حربه‌ی حقوق بشر بوده است. با توجه به روندهای دموکراتیک‌سازی، برگزاری انتخابات باشکوه مردمی و کنوانسیون متعدد حفظ حقوق بشر بعد از انقلاب به ویژه در سال‌های اخیر متأسفانه غرب هنوز ایران را متهم

به نقض حقوق بشر و نبود روندهای دموکراتیک در داخل کشور متهم می سازد و این مسئله در طول دوره های مختلف تهدیدی علیه امنیت جمهوری اسلامی ایران بوده است.

#### ۶. مدیریت خطرهای احتمالی و امنیتی کردن تهدیدات

برای مقابله با خطرات دو روش کلی تحت عنوان «مدیریت خطرهای احتمالی» و «امنیتی کردن تهدیدات» در نظر گرفته شده است. روش مدیریتی خطرهای احتمالی از دو کاربرد اصلی به شرح زیر برخوردار است:

الف). مدیریت خطرهای احتمالی به عنوان پیامد تصمیم یا رفتارهای استراتژیک: در چنین وضعیتی هنوز هیچ تهدیدی علیه امنیت سیستم شکل نگرفته است؛ اما تصمیم یا رفتاری استراتژیک می تواند زایندهی تهدیدات احتمالی باشد؛ برای مثال ج.ا. ایران ممکن است تصمیم بگیرد چنان چه یکبار دیگر اسرائیل با قصد نابودی علیه حزب الله لبنان عملیات نظامی انجام دهد در پشتیبانی از مقاومت ملی وارد عمل شود. این تصمیمی استراتژیک است و به دنبال آن ممکن است تهدیداتی شکل بگیرد که در صورت نبود چنین تصمیمی به وجود نخواهد آمد.

ب). مدیریت خطرهای احتمالی برای پیشگیری از تهدید: به تحقیق شکل گیری تهدیدات، خود دارای فرایندی است و قبل از این که به هویتی مستقل و منسجم تبدیل شود، در حوزه های سیاسی یا عمومی به صورت های غیرمستقل یا در درون هویت های دیگر ریشه های آن وجود داشته است. بر این اساس روش تحلیل خطرهای احتمالی درصد تعیین احتمال تبدیل شدن چنین موضوعاتی به تهدیدات مشخص (تهدیدات شناسایی شده) است (عبداله خانی، ۱۳۸۶ ص: ۱۹۴).

هدف استراتژیک روش مدیریت خطرهای احتمالی جلوگیری از رسیدن به وضعیتی است که در آن اتخاذ تصمیمات استثنائی اجتناب ناپذیر می گردد. مدیریت خطر به جای رها کردن مسئله تا تبدیل شدن مناقشه یا چالش به تهدیدی خطرناک سعی می کند با تأثیرگذاری بر ساختارهای فیزیکی و اجتماعی که در آن بازیگران رفتارهای متعامل را شکل می دهند، از بروز مناقشه یا گسترش آن جلوگیری کند (Rose, 1999: 237).

در مدیریت خطرهای احتمالی ویژگی های مربوط به هویت های مستقل به عنوان هویت جمعی گونه های ریسک جمع آوری می گردد؛ در حالی که در پویایی شناسی نظریه ای امنیت ساختن تهدیدات، به ویژه دیدگاه اشمیت، بازیگران به طور قطع یا دوست هستند یا دشمن (عبداله

خانی، ۱۳۸۶: ۱۹۶). در مدیریت خطرهای احتمالی «دیگری» که ممکن است هویت مقتدر مدرن را محدود کند، شکسته شده و نامعلوم می گردد و «دیگر خارجی» وجود ندارد؛ زیرا امروزه نام بردن از دشمن واحد بسیار سخت است و دولت- کشورها در همه جا دارای دشمنان نامعلوم و فرعی هستند (Hardt and Negri, 200: 189).

چگونگی مدیریت تهدیدات در روش مدیریت خطرهای احتمالی با روش امنیتی ساختن تفاوت های قابل توجهی دارد. این تفاوت ها در سه محور «بازنمایی تهدید»، استراتژی یا اقدامات در برابر تهدید» و «هدف از مقابله با تهدید» قابل بررسی است (نگاه کنید به جدول زیر).

**تفاوت های روش امنیتی کردن تهدیدات و روش مدیریت خطرهای احتمالی (عبداله خانی، ۱۳۸۶، ص: ۱۹۴)**

نوع روش موضوع	روش امنیتی کردن تهدیدات	روش مدیریت خطرهای احتمالی
بازنمایی تهدید	تضاد دوست/دشمن و شخصیت دادن به دشمن	پیوستار دوست/دشمن و ارتباط غیر شخصی فاکتورهای مستعد تولید خطرهای احتمالی
اقدامات استراتژی	اقدامات استثنائی که روندهای عادی سیاسی را دور می زند؛ اقداماتی که تهدید بالفعل را شناسایی می کنند	اقدامات عادی نظیر: نجات و نمایه شناسی خطر یا اقداماتی که به کنترل احتمالی جمعیت کثیری کمک می کنند.
هدف	نابودی تهدید؛ نابودی تهدید بقای جمعی، نظم اجتماعی- سیاسی را میسر می سازد.	مدیریت خطرها علیه پیشینه ای از احتمالات و شک ها؛ مدیریت خطرهای احتمالی به دنبال پیشگیری از تبدیل شدن چالش ها به تهدیدات بالفعل است.

در روش امنیتی ساختن تهدیدات امنیتی بر اساس تضاد دوست و دشمن و وجود دشمنی معین و قابل شناسایی می گردد. اما در روش مدیریت خطرهای احتمالی شناسایی تهدیدات در وضعیت بالقوه و وقتی که هنوز هویت مشخص نیافته اند، بر روی پیوستاری انجام میشود. برای مثال در روش امنیتی ساختن، دولت آمریکا والقاعده به عنوان یک تهدید امنیتی هستند. در حالی که در روش خطرهای احتمالی هنوز القاعده یا آمریکا بر اساس ضرورت و اجبار به عوامل مشخص تهدید امنیتی تبدیل نشده اند (عبداله خانی، ۱۳۸۶، صص: ۱۹۹-۱۹۸). در روش امنیتی ساختن، اقدام امنیتی کردن همه ی تهدیدات و همچنین دو راهبرد نابودی و کاهش و غیر امنیتی کردن تهدیدات امنیتی مورد بررسی می شود. به طوری که در روش مدیریت خطرهای احتمالی هدف اصلی

شناسایی دقیق چالش‌ها و تحلیل آن‌ها و همچنین جلوگیری از طی کردن روند تدریجی تبدیل شدن به تهدیدی بالفعل است.

#### ۷. راه‌های پیشرفت و امنیت ساز در جامعه

همکاری و هماهنگی بین دولت و شهروندان نقش به‌سزایی در ایجاد نظم و امنیت در جامعه دارد. به دلیل نهادینه شدن فرهنگ شهروندی نزد برخی تصمیم‌گیران سیاسی کشور و خلأ ناشی از آن، جامعه با مشکلاتی روبه‌رو می‌شود که جهت جلوگیری از آن‌ها، توجه به راهکارهای زیر بایسته می‌نماید:

#### ۷-۱. توازن بین دولت و جامعه

به دنبال وقوع انقلاب اسلامی در ایران و تغییر ساختار قدرت، عامل تعیین‌کننده‌ی سرنوشت کشور را نوع رابطه‌ی ای که میان دولت و جامعه مدنی وجود دارد، اهمیت اساسی دارد. رابطه میان دولت و جامعه در طول زمان دستخوش دگرگونی‌های بسیاری بوده است. دولت تا قبل از انقلاب هرگز مردم سالار نبوده است و از بینش علمی و تولیدی قوی هم برخوردار نبوده است و از سوی دیگر هم به دلیل عدم تکوین نهادهای واسطه‌ای، همواره این خطر وجود داشت که جامعه به بخش سیاسی تر آن نتواند با دولت به سازشی برسد. از جمله عوامل موثر در تداوم شکل نگرفتن نهادهای مدنی در ایران (در دهه‌های اخیر)، اجاره‌گیر بودن دولت است (امیر احمدی، ۱۳۷۵: ۱۷). بدین معنی که دولت با استفاده از درآمدهای نفتی حیات اقتصادی مستقلی یافته و در نتیجه خود را موظف ندانسته است به جامعه در مورد اعمال خود جواب پس دهد. این امر مشوق فرهنگ سیاسی و اقتصادی غیر مولد و ضد ارزشی در جامعه بوده و باعث شده است که جامعه مدنی نیز تحول و تکامل پیدا نکند.

اگر بخواهیم از توسعه و پیشرفت تعریفی داشته باشیم می‌توان گفت توسعه و پیشرفت همان افزایش سطح بهره‌مندی و رفاه، ارتقای امنیت، آزادی گسترش ارتباطات اجتماعی و امکان تحرک اجتماعی عمودی و افقی معطوف به ارزش‌های جامعه است که در سایه‌ی پیشرفت علمی و تکنولوژیک، دگرگونی تکاملی در نظام بهداشت و درمان، آموزش و سازماندهی و مهندسی اقتصادی صنعتی و سیاسی و فرهنگی به وجود می‌آید. بنابراین برای رسیدن به افقهای مطلوب

زندگی که همان زندگی توسعه یافته و همراه با پیشرفت است. به مفهومی و مدیریت آن نیازمندیم و باید مدلی متناسب با ارزش های دینی و ملی طراحی و تدوین گردد. یافتن سازو کارهایی کاهش دهنده دولت بر درآمدهای نفتی و تکیه بر ملت سبب می شود جامعه به سوی هویتی روشن رود که این امر مستلزم اجماع نظر بین سه گروه گروه حاکم، اصحاب تفکر و صاحب امکانات و ثروت است (سریع القلم: ۱۳۷۱: ۲۸). عده ای نیز تولید و رفاه و تکنولوژی در جامعه را دلیلی بر پیشرفت و امنیت در جامعه می دانند. اما آنچه که اهمیت دارد مشارکت جامعه در سیاست ها و برنامه های دولت است که به نوعی سبب شکل گیری مشروعیت و گسترش نوعی اعتماد بین دولت و جامعه می شود. باید گفت که آغاز و تقویت فرایند ملت سازی می تواند تا اندازه ی زیادی در رفع این خطر و تضمین امنیت ملی ایران کمک کند. فراهم سازی امکان مشارکت سیاسی مردم، یکی از اموری است که می تواند فرایند ملت سازی را شتاب بخشد.

جامعه ی توسعه یافته خود زمینه ساز پیشرفت و کاهش تهدیدات است. جدای از مباحث فوق شاخصه های جامعه ی توسعه یافته طبق بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. خودکفایی در نیازهای اساسی ۲. فراصنعتی شدن ۳. افزایش بهره وری ۴. ارتقای سطح سواد
۵. ارتقای خدمات رسانی به شهروندان ۶. افزایش امید به زندگی ۷. رشد ارتباطات ۸. مبتنی شدن روند تحول بر عناصر اصلی هویت ملی و آرمان های اساسی ۹. استقلال فرهنگی ۱۰. ارتقای علمی مدیریت ها ۱۱. افزایش احساس مسئولیت ۱۲. مقابله با جهل و بی قانونی ۱۳. انضباط اجتماعی
۱۴. عزت ملی ۱۵. مبارزه با فقر، فساد، بیکاری و تبعیض ۱۶. عدالت طلبی ۱۷. افزایش ثروت ملی
۱۸. رشد اخلاق و معنویت ۱۹. اقتدار ملی (رسولی، ۱۳۸۶: ص ۳-۲).

## ۷-۲. قانون مداری و فراندیشی

در جوامع در حال گذار (از سنتی به مدرن)، شکل گیری نیروهای جدید اجتماعی یا سربرداشتن بخش هایی از جامعه که پیشتر در حالت انفعال و حاشیه ای قرار داشتند و طرح درخواست های جدی این گروه ها، جوامع سست بنیاد را در ورطه امکان بروز آشوب های اجتماعی فرو می برد. اجتناب از غلتیدن به دامن چنین آشوب هایی در سایه وحدت ملی ایجاد شده از رهگذر تقویت نهادهای مدنی امکان پذیر است. از جمله اصولی که می تواند به تحقق جامعه مدنی در این جوامع کمک کند قانون گرایی واقعی و صوری نبودن قانون است. در جوامع جهان سوم، قانون غالباً

جنبه نمایش دارد لکن در عمل بدان رفتار نمی شود که خود ناشی از عدم التزام قانونگذاران و مجریان قانون به مقررات است؛ اجرای روندی قانون در این کشورها من جمله ایران منوط به تمرکز قدرت دولتی و اجرای دقیق قوانین و یکسان انگاشتن کلیه شهروندان در برابر آنهاست که البته تحقق آن، پذیرفتن و جا افتادن مفهوم راستین حکومت در بین زمامداران و آحاد جامعه را می طلبد که یکی از لوازم آن اولویت بخشیدن به حقوق شهروندی در مقایسه با مناسبات فردی و ارتباطات گروهی است. پس شرط نخستین توفیق نهاد دولت در انجام دادن کارویژه ها و تحقق اهدافش، ایجاد زمینه مشترک همکاری بین دولت و ملت بر محور قانون مداری می باشد، که در چارچوب آن حدود هر یک مشخص شده است.

رمز تداوم و توفیق روند توسعه ای که جمهوری اسلامی ایران گام در آن نهاده، پایبندی به مقوله بنیادین اعتماد به مردم است که پیروزی انقلاب نیز تا اندازه زیادی وامدار آن بود و حتی تاریخ قدیم ایران گواه بر سندیت آن است.

#### ۸. فرصت های امنیت ساز جمهوری اسلامی ایران در عرصه ی بین المللی

جمهوری اسلامی ایران با عنایت به نقاط قوتی رهبری، توانایی دفاعی، علمی و تکنولوژیک، توانمندی هسته ای، منابع عظیم هیدروکربنی و الهام بخشی یکی از کشورها و قدرت های تأثیر گذار در منطقه ی خاورمیانه است. در بررسی کشورها از لحاظ تأثیر گذاری و تأثیرپذیری، ایران در ردیف کشورهایی که زیاد تأثیر گذار است ولی از نظام بین الملل کمتر تأثیر می پذیرد، قلمداد می شود. مهم ترین فرصت های جمهوری اسلامی ایران در عرصه ی بین الملل را می توان به اختصار بصورت زیر بیان نمود:

۱. شکست راهبرد آمریکا در منطقه و گسترش تنفر مردم؛
۲. افزایش بیداری اسلامی و خودآگاهی اسلامی؛
۳. کاهش دولت های متخاصم در همسایگی ایران؛
۴. افزایش قیمت انرژی؛
۵. افزایش تقاضای جهانی به انرژی؛
۶. ضعف و چالش در ارکان رژیم صهیونیستی (ارتش و جوخه هایب ترور، مهاجرت یهودیان به سرزمین های اشغالی، حمایت قدرت های غربی)؛



۷. ارتقاء وجهه و جایگاه عزتمند بین المللی جمهوری اسلامی ایران؛

۸. توان ضربه‌ی متقابل و قدرت بازدارندگی در مواجهه با تهدیدات؛

۹. اتخاذ سیاست تعامل چند جانبه و همه جانبه؛

۱۰. بهبود نقش و جایگاه کشور در معادلات منطقه ای و بین المللی و افزایش تأثیرگذاری بر

فرآیندها و دستور کارهای منطقه ای و بین المللی (سارویی، ۱۳۸۶ صص: ۲-۱، دهشیری، ۱۳۸۴ ص: ۶۲).

## ۹. تجزیه و تحلیل

مرجع امنیت ملی، دولت است و مرجع امنیت انسانی، افراد یا شهروندان، اما گویا بخش اعظم ثبات و سامان جوامع در حد فاصل این دو تعریف می‌شود یعنی افراد متشکل در قالب گروه‌ها، وزن بیشتری نسبت به دولت پیدا کرده و غالباً رفتارهای آن را تحت تأثیر قرار می‌دهند. برجسته شدن نقش گروه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای حد فاصل بین افراد و حکومت‌ها، مبحث امنیت اجتماعی را تا حد امنیت ملی ارتقا بخشیده و بر این اساس امنیت ملی مخدوش از امنیت ملی پایدار متمایز شده است.

چنین تحولی که به واسطه امواج مدرنیته رونق گرفته، جامعه‌شناسی امنیت ملی و شناخت بنیان‌های اجتماعی آن را ضروری ساخته است.

امنیت اجتماعی یکی از مولفه‌های مهم امنیت ملی است که متأثر از متغیرهایی چون نبود اعتیاد، نبود جرم و جنایت و رشد بهداشت و غیره می‌باشد. امنیت اجتماعی، آرامش و آسودگی خاطری است که هر جامعه موظف است برای اعضای خود ایجاد کند. امنیت و میزان آن برای تمام نظام‌های سیاسی و شهروندان صرف نظر از سطح توسعه اقتصادی، اجتماعی و نوع ایدئولوژی، از مهمترین و با اولویت ترین مسایل به شمار می‌آید.

در میان جامعه‌شناسان و نظریه پردازان امور امنیتی، وجود امنیت اجتماعی را توانمندی جامعه برای مراقبت از خصوصیات و ویژگی‌های بنیادین خود در شرایط تغییر و تهدیدات عینی و احتمالی تعریف و برای ارتباط نزدیک میان هویت جامعه و امنیت تأکید می‌کند. امنیت اجتماعی را می‌توان از حیث شمولیت و فراگیری امنیت عمومی قلمداد کرد که حوزه‌های امنیت جمعی و گروهی را می‌تواند پوشش دهد. بی تردید هیچ عنصری برای پیشرفت، توسعه و تکامل یک

جامعه و همچنین شکوفایی استعدادها مهمتر از عنصر امنیت و تأمین آرامش در جامعه نبوده و توسعه اجتماعی، خلاقیت و فعالیت ارزشمند بدون امنیت امکان پذیر نخواهد بود.

امنیت اجتماعی یکی از شاخه های بحث کلی امنیت به شمار می رود که در تعریف کارشناسان از آن به معنی حفظ سیستم اجتماعی و حاکمیت کشور یاد می شود. یعنی اجتماع، خانواده و فرد در مقابل تهدیدات بیچارگی ها و بدبختی های اقتصادی و اجتماعی و یا شخصی ایمن بوده و از سلامت زندگی خود اطمینان داشته باشد. چنان چه در جامعه امنیت اجتماعی برقرار گردد برآمد و اطمینان خاطر افراد به آینده افزوده می شود و امید به رشد و تکامل و حصول به یک زندگی سالم در دل آنها بارور می شود. با پیچیده تر شدن روابط اجتماعی در عصر مدرنیته و خارج شدن این روابط از حالت های ساده اولیه که بیشتر جنبه فیزیکی و محسوس داشت، عوامل پنهان و غیر فیزیکی امنیت در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، روز به روز اهمیت بیشتری پیدا می کند. به همین دلیل نیز مقوله ای جدید به نام امنیت اجتماعی، که مهمترین مولفه تشکیل دهنده امنیت ملی است، روزه روز مورد توجه بیشتری قرار می گیرد.

جدای از تهدیداتی که در سطح جامعه مخل امنیت اجتماعی می شود. تهدیداتی در بیرون از مرزهای کشور هستند که سبب برهم زدن امنیت اجتماعی و امنیت ملی کشور می گردد. امروزه با گسترش ارتباطات میان کشورها به ویژه بحث جهانی شدن، شبیه شدن فرهنگ ها به هم بروز هر گونه انحرافات اجتماعی که ممکن است توسط عناصر بیگانه هدایت شود بیشتر می شود. از این رو نقش دولت ها در سامان دادن به هر گونه انحرافات اجتماعی و ایجاد نظم و امنیت در جامعه گسترش پیدا می کند.

ایران از جمله کشورهایی است که از سال ها پیش مورد توجه قدرت های بیگانه به ویژه آمریکا بوده است و با توجه به قطع ارتباطی که بعد از انقلاب بین ایران و آمریکا به وجود آمده است، دخالت های این قدرت ها در کشور بیشتر شده است و از هر ترفندی برای مختل کردن نظم و امنیت ایران استفاده می کنند. از این رو آن چه که اهمیت پیدا می کند شکل گیری یک اتحاد قوی در سطح جامعه که توسط دولت انجام می گیرد. امنیت بحثی است که فقط توسط دولت انجام نمی گیرد بلکه شهروندان نیز بعد اصلی این فرآیند را شکل می دهند بنابراین خودآگاهی ملت نیز نقش به سزایی در شکل گیری امنیت در جامعه دارد که دولت می تواند با آموزش های سیاسی و فرهنگی تأثیر بسیار مثبتی را ایجاد کند.

## نتیجه گیری

امنیت اجتماعی یکی از ویژگی های مهم یک نظام اجتماعی کارآمد است. مقوله ای امنیت اجتماعی را نباید فقط متکی بر تدابیر نظامی و انتظامی و یا نیروهای مسلح دانست. از آن جا که در درون جامعه سطوح مختلف اجتماعی اعم از طبقات سنی، گروه های جنسی، اصناف و صاحبان حرفه و مشاغل و تشکل های سیاسی و اجتماعی و... وجود دارند، لازم است که با فعالیت های مختلف فرهنگی و تبلیغی زمینه را برای مشارکت و حضور یکپارچه ای مردم برای ایجاد یک محیط سالم امنیت اجتماعی محقق ساخت، تا از این طریق باور ملی متوجه جایگاه خاص امنیت اجتماعی در ساختارهای عمده ای فرهنگی، هنری، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی خود شود.

جدا از تهدیدهایی که امنیت اجتماعی را مختل می سازد یک سری تهدیدات خارجی هستند که سبب می شود امنیت ملی و به تبع امنیت اجتماعی درون جامعه مورد تهدید قرار گیرند. در برابر تهدیدات خارجی آن چه که اهمیت پیدا می کند قدرت تصمیم گیری نظام سیاسی است از این رو همیشه باید نخبگان و تصمیم گیران سیاسی جامعه بتوانند بر اساس یک نوع وفاق ملی تدابیری را برای مقابله با این تهدیدات بیندیشند. بسیاری از گروه های خارجی سعی دارند از طریق ایجاد رخنه در درون جامعه نوعی گسست را میان قومیت ها و یا ساختارهای اجتماعی درون جامعه ایجاد کنند تا از این طریق علاوه بر ایجاد اغتشاش در درون نظام به نوعی بتوانند از این طریق امنیت ملی را هم تضعیف نمایند. بنابراین امنیت اجتماعی با وفاق ملی و سیاست داخلی نیز در تعامل است، همچنین اقتدار ملی در کنار امنیت اجتماعی حاصل می شود. هرچه این وفاق ملی و اقتدار ملی تحکم بیشتری داشته باشد زمینه ساز استحکام بیشتر امنیت ملی است.

فهرست منابع

– فارسی

- استراتژی های امنیت فرهنگی – اجتماعی (۱۳۸۲)، از:  
<http://www.bashgah.net/modules.php?name=Articles&op=show&aid=248&query=LQnYp9iz2KrYsdin2KramNuMINmH2KfbjCDYp9mF2YbbjNiqINmB2LHZh9mG2q/bjCDigJMg2KfYrNiq2YXYp9i524w>
- اشتراوس، لئو (۱۳۷۳). **فلسفه سیاسی چیست؟** ترجمه فرهنگ رجایی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- افزایش امنیت انسانی و حفظ حقوق شهروندی (۱۳۸۷)، کاری از گروه ایمن ارسنجان، از:  
<http://amuzesh/pamflat/amniat-ensuni.doc>
- افشار، اسدالله (۱۳۸۷). «انسان، امنیت اجتماع»، از:  
<http://www.resalat-news.com/Default.aspx?pap=206767>
- امیراحمدی، هوشنگ (۱۳۷۵). «درآمدی بر جامعه مدنی در ایران امروز». **مجله ایران فردا**، شماره ۲۷.
- بوزان، بری. (۱۳۸۷). **مردم، دولت ها و هراس**، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حسنی فر، عبدالرحمن (۱۳۸۳). «دولت و امنیت اجتماعی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، از:  
[http://www.isu.ac.ir/Publication/Research-Quarterly/Research-Quarterly\\_23/Research-Quarterly\\_2305.htm](http://www.isu.ac.ir/Publication/Research-Quarterly/Research-Quarterly_23/Research-Quarterly_2305.htm)
- حمراسی فراهانی، علی اصغر (۱۳۷۴). **بررسی مفاهیم نظری امنیت ملی و عوامل تهدید امنیت ملی و شیوه های حراست از آن در سیاست بین الملل**، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- دهشیری، محمد رضا (۱۳۸۴). «الزامات فراروی سیاست خارجی ج.ا. ایران در پرتو سند چشم انداز بیست ساله». **فصلنامه‌ی اندیشه‌ی انقلاب اسلامی**، شماره‌ی ۱۳ و ۱۴.
- رامونه، اگناسیو (۱۳۷۷). **آیا جهان به سوی هرج و مرج می رود؟** ترجمه‌ی پریچهر شاهسوند، تهران: انتشارات عطا.

- رسولی، اعظم (۱۳۸۶). «راه های پیشرفت و تعالی همه جانبه و موانع آن»، از: <http://azamrasouli.persianblog.ir/post/13>
- رضائی، احمد (۱۳۸۶). «قومیت، امنیت اجتماعی در عصر جهانی سازی»، از: [http://sociologyofiran.com/index.php?option=com\\_content&task=view&id=484&lte...](http://sociologyofiran.com/index.php?option=com_content&task=view&id=484&lte...)
- رنجبر، مقصود (۱۳۸۲). «تهدیدات اسرائیل علیه امنیت جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه‌ی اندیشه انقلاب اسلامی، شماره‌ی ۶.
- سریع القلم، محمود (۱۳۷۱). «اصول ثابت توسعه سیاسی»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۷.
- سیف زاده، حسین (۱۳۷۰). «مصالح ملی»، چاپ در مجموعه مقالات و مفاهیم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- شعبانی سارویی، رمضان (۱۳۸۶). «تهدیدات و فرصت های بین المللی جمهوری اسلامی ایران»، از: <http://www.aftab.ir/articles/diplomacy/clc1196326200-iran-pl.php-245k>
- عبدالله خانی، علی (۱۳۸۶). «تهدیدات امنیت ملی (شناخت و روش)». تهران: موسسه‌ی فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر.
- عبداللهی، محمد علی (۱۳۸۱). «قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران»، انتشارات نشاط
- علینقی، امیرحسین (۱۳۸۰). «نگاهی به مسائل امنیتی ایران»، تهران انتشارات پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی.
- عمید، حسن (۱۳۷۹). «فرهنگ فارسی، تهرات: انتشارات امیر کبیر چاپ نوزدهم.
- عیوضی، محمدرحیم (۱۳۸۳). «مطالعات امنیت، سیاست و جهانی شدن»، ماهنامه‌ی زمانه‌ی زمانه، شماره‌ی ۳۰.
- عیوضی، محمدرحیم (۱۳۸۲). «جهانی شدن و تأثیرات آن بر امنیت ملی ج.ا.ایران»، فصلنامه‌ی اندیشه انقلاب اسلامی، شماره‌ی ۶.
- غلامی، رضا (۱۳۸۶). «فرهنگ و امنیت ملی»، از:

<http://www.sheshmim.com/Articles/ArticiViewer.asp?articleId=633>

- فاضل و الهام آشتیانی (۱۳۸۷). «چشم انداز آسیب ها و تهدیدات ایران»، از:

<http://www.irdic.ir/News/1387/07/15/12707.aspx>

- کاظمی، علی اصغر (۱۳۷۰). **زنجیره‌ی تنازعی در سیاست و روابط بین الملل**، تهران: قومس، چاپ اول.

- کرمی نوری، محمد علی (۱۳۸۷). «نقش امنیت در رفتارهای فردی و اجتماعی»، از:

<http://www.kherad.info/articles/printable.php?aid=18>

- گلشن پژوه، محمد رضا (۱۳۸۶). «شاخص های یک اجتماع امنیتی با ثبات از دیدگاه دویچ»، **فصلنامه راهبرد دفاعی**، سال پنجم شماره هجدهم.

- متقی، ابراهیم (۱۳۷۶). «تحلیل رفتار سیاسی اسرائیل در برابر ج.ا. ایران»، **سیاست دفاعی**، سال پنجم شماره‌ی (بهار ۱۳۷۶) ۲۹.

- محبوبی منش، حسین (۱۳۸۷). «امنیت و انحرافات»، از:

<http://asheghanee.parsiblog.com/650033.htm>

- معلوف، لوئیس (۱۹۷۳). **المنجد فی اللغة**، دارالمشرق بیروت، تهران: انتشارات اسماعیلیان.

- معین، محمد (۱۳۶۳)، **فرهنگ فارسی**، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ ششم.

- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۴). **تحول در نظری های روابط بین الملل**، تهران: انتشارات سمت.

- مقدم، دلاور (۱۳۸۶). «امنیت ملی تهدیدهای قومی - فرقه ای»، **هفته نامه‌ی نگاه حوزه**، شماره‌ی ۲۰۶.

- مک کین لای، رابرت و ریچارد لیتل (۱۳۸۰). **امنیت جهانی رویکردها و نظریه ها**، ترجمه‌ی اصغر افتخاری، **پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی**.

- ملکی، رؤیا (۱۳۸۵). «امنیت اجتماعی»، از:

<http://www.hamshahrionline.ir/News/?id=888>

- مینایی، اصغر (۱۳۸۷). «استراتژی امنیت ملی ایران»، **روزنامه‌ی کیهان**، ۱۸۸۶۱، ص: ۱۲.

- میوند، خسرو «امنیت ملی تابع امنیت انسانی»، از:

[http://www.mashal.org/hom/main/print\\_hejtemahi.php?id=00031](http://www.mashal.org/hom/main/print_hejtemahi.php?id=00031)

- هوشیار، مرتضی (۱۳۸۷)، «امنیت اجتماعی»، اداره کل آموزش و پژوهش معاونت سیاسی.

– لاتین

- Adler, Emanuel and Michel Barnett (eds),(1998).**Security Communities**, Cambridge/New York: Cambridge University Press.
- Baldwin, David (1997)."The Concept of Security", **Review of International Studies**, Vol 23, No.1.
- Buzan, Barry, Ole Ware and Jape de Wild, (ed), (1988). **Security A New Framework: For Analysis**, Lynne Rayne Renner Publication.
- Chilcote, Ronald (1981). **Theories of Comparative Politics**. Boulder, West views Press.
- Dutsch, Karl et al (1957). **Political Community and the North Atlantic Area**, Princeton University Press.
- Dutsch, Karl (1988). **The Analysis of International Relations**, Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall
- gabriel a.almond and g.bingham **Powell yr comparative politics'** developmental approach (Boston: little brown and co...1966).
- Hart Micheal and Antonio Negri(2000). **Empire**, Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Jones, Richardw(1999). **Security, Strategy, and Critical Theory**, London, Lynner Publications.
- Rose, Nikolas(1993). **Power of Freedom, reforming Political Thought**, Cambridge: Cambridge University Press.

- Lucian Pye and Sidney Verb (eds), (1985). **Political Culture and Political Development**, Princeton University Press.
- Tang Shiping(2004). A Systemic Theory of the Security Environment, **The Journal of Strategic Studies**, Vol. 27, No. 1.
- Ted Gurr, Robert(1994). "People Against States: Ethno political Conflict and The Changing World System", **International Studies Quarterly**, No. 38.
- Ted Gurr, Robert (1994). **Peoples versus States: Minorities at Risk in the New Century**, United States, Institute of Peace, from: <http://www.ciaonet.or.org>.
- Ole, Wever and Barry Buzan "Liberalism and Security", from: <http://www.ciaonet.or.org>.